

# هدف هر نظام مردمی، باید رفاه انسانها و اعتلاء معنوی آنان باشد

جامعه ایران دوران گذار را با تمام بفرنجی‌ها، رفتن‌ها و بازگشتن‌ها و توقف‌ها و شتاب‌ها میگذراند. بر کشور طی ۵۰ سال، نظام طبقاتی وابسته‌ای حاکم بوده که رسالت خود را تسلیم کشور به امپریالیسم، استضعاف طبقات و اقتدار زحمتکش و مرفه کردن طبقات و اقتدار وابسته طفیلی قرار داده بود. انقلاب ایران با خصلت

خلق خود، این هدف مهم را در برابر خویش نهاد، تا کوششینان، یعنی طبقات و اقشار محروم و زحمتکش را از اعماق فقر و جهل و بیماری برهاند و به آنان زندگی شایسته‌ای عرضه دارد. این هدف متعالی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یافته و تأمین اشتغال، استفاده از آموزش رایگان، داشتن مسکن مناسب و

پرورداری از تأمین اجتماعی بمثابة حق مسلم برای همگان در نظر گرفته شده است. برای دست‌یافتن به این اهداف مردمی، باید برنامه‌های اقتصادی و عمرانی کشور در چارچوبی تنظیم و تدوین شود که در خدمت تعدیل شکاف طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی قرار گیرد، برای محرومان جامعه کار و نان و بهداشت و

## مردم قهرمان عراق مبارزه خود را علیه رژیم جنایتکار صدام تشدید میکنند

روزنامه «طریق الشعب» ارگان حزب کمونیست عراق، که بطور مخفی انتشار می‌یابد، اخبار جالبی از مبارزات دلاورانه مردم عراق، علیه رژیم جنایتکار صدام‌حسین، منتشر کرده است. ما برخی از این اخبار را، که بیانگر بیداری و یکپارچگی مردم عراق است،

مدرسه فراهم آورد، طبقات مرفه و ثروتمند جامعه را لگام زدن از تاختن‌سوی منفعت‌طلبی و لذت‌جویی، به بیای فقرتوده‌ها، بازدارد. در دو سال پس از پیروزی انقلاب، با آنکه ضربات محکمی بر مواضع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته، زمینداران کلان و فئودالها بقیه در صفحه ۴

## لایحه قصاص را مسکوت گذارید!

● قرارداد افکار عمومی در جریان «بحث آزاد» درباره لایحه قصاص، اقدامی مثبت، ولی ناکافی است. ● ایجاد جو رعب و شائناژ و برچسب‌زنی، هنگام بحث درباره «لایحه قصاص»، آنرا قابل دفاع نخواهد ساخت.

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، طی آگهی‌هایی، اعلام کرده است که «بحث آزاد» درباره «لایحه قصاص» از صدا و سیما، پخش خواهد شد «نامه مردم» در شماره مورخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۶۰ خود، به مناسبت آغاز بحث آزاد درباره «لایحه قصاص»، ضمن تکرار مواضع اصولی خویش درباره این لایحه، برای چندمین بار، انجام بحث آزاد را «کاری مثبت و مفید اعلام کرد، ولی افزود که، شرایط انجام «بحث آزاد» و بویژه وجود دو نوع جو نامطلوب و محیط نامناسب برای تحقق اهداف «بحث آزاد»، این کار مثبت و مفید را ناقص و عقیسم می‌گذارد.

«نامه مردم» نوشت که ۲ نوع جو منفی، یکی «محدودیت فضای بحث» و دیگری جو «برچسب‌زنی و رعب و شائناژ» و متهم ساختن کلیه منتقدین این لایحه به «مخالفت با قرآن و اسلام» و قائل نشدن تمایز میان کسانی که «از سر دل‌سواری برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چنین لایحه‌ای را اصلاح نمی‌دانند»، با کسانی است که «از این لایحه برای تبلیغ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، سوء استفاده می‌کنند».

خوشبختانه تصمم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برای پخش «بحث آزاد»، تقصیر نخست را بر طرف میسازد، که موجب خوشحالی است؛ اما متأسفانه تقصیر دوم هنوز بجای خود باقی است و امیدواریم که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، که به سر نوشت انقلاب و جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۴

## امروز و فردا، بعد از اخبار شب در شبکه اول:

### بحث آزاد تلویزیون با شرکت حزب توده ایران پخش میشود

در این بحث، که عنوان آن بحث «ایدئولوژی - عقیدتی» است، رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت‌کنندگان در این بحث عبارتند از آقای مصباح (از حوزه علمیه قم) آقای سروش (منفرد) و آقای فرخ نگهدار (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»). ماهمه علاقمندان را به شنیدن این بحث دعوت میکنیم.

## تمام اسناد جاسوسخانه آمریکا را منتشر کنید!

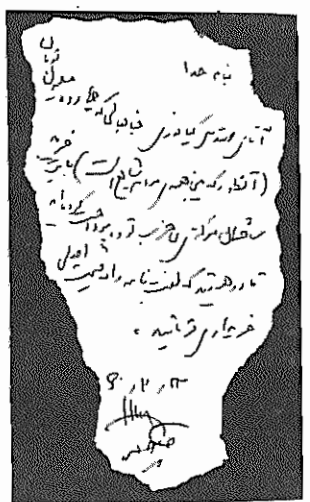
روزنامه «میزان» به پیروی از مشی پیگیر ضدتوده‌ای خود، در شماره مورخ ۲۶ اردیبهشت ماه ۶۰ خود، در ستون «با حاشیه»، بی حاشیه، از «اسناد مربوط به... حزب توده... در لائنه جاسوسی» سخن به میان آورده و افزوده است: «مگر ممکن است شیطان بزرگ... از حزب توده... اسنادی نداشته باشد؟» حزب توده ایران و ارگان مرکزی آن «نامه مردم»، از زمان تسخیر لائنه جاسوسی آمریکا تا بحال، بارها و بارها از مسئولین خواسته‌اند که کلیه اسناد بدست آمده از لائنه جاسوسی آمریکا را، بی هیچ تمایزی، منتشر سازند. حزب توده ایران بر این عقیده بوده و هست که انتشار کلیه اسناد لائنه جاسوسی آمریکا نه فقط پسرده از چهره دشمنان سالوسو ریاکاران انقلاب بر میگردد، جاسوسان و منابع جاسوسخانه

## تکذیب

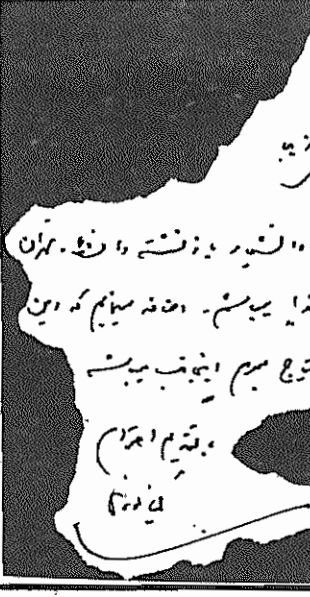
دکتر حسین ابوزریان، طی مقاله‌ای زیر عنوان «دولت‌رچائی به کجا میرود؟!» (اطلاعات، ۲۴ اردیبهشت ۶۰) باز هم با نیش و خلاف واقع مطلبی درباره حزب توده ایران نوشته است. وی می‌نویسد: «... در این میان حتی رادیو-های خارجی خط امامی (!) مثل... و رادیوی صدای ملی ایران (صدای حزب توده) نیز دل‌خوشی از رجائی ندارند...» پس دینوسبیل، ضمن اعتراض شدید به این شیوه‌های زشت

## نمونه یک برخورد غیر اخلاقی

زیر نامه رفیق کیانوری، فردی با امضای ناخوانا، شرح زیر را نوشته است، که نمونه یک برخورد غیر اخلاقی است، که برای اطلاع و فضاوت افکار عمومی در زیر چاپ و کلیشه میشود: «بنام خدا آقای مهندس کیانوری جناب عالی که چهارده میلیون تومان (آفتابور که بین همه مردم شایع است) بابت خرید ساختمان مرکزی حزب توده پرداخت کرده‌اید قیمت هستی که لغت‌نامه را به قیمت اصلی خریداری فرمائید»



۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ ریاست محترم دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران اینجانب دکتر مهندس نورالدین کیانوری، دانشیار بازنشته دانشگاه تهران، خواستار یک دوره لغت‌نامه دهخدا می‌باشم. اضافه می‌نمایم که این اثر برای کارهای تحقیقاتی مورد احتیاج مبرم اینجانب می‌باشد. با تقدیم احترام کیانوری»



در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۶۰، رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی نامه‌ای به ریاست دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران)، بعنوان «دانشیار بازنشته دانشگاه تهران»، طبق عرف دانشگاه، خواستار یک دوره «لغت‌نامه دهخدا» شد. نامه بشرح زیر است:

## سپاهیان پاسدار جاده تنگ کاتی دشمن را مین گذاری کردند

دلوران ایران در جبهه‌های جنگ به نبرد با دشمنان متجاوز ادامه می‌دهند و ضربات متعددی بر اشغالگران صدامی وارد می‌کنند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران بخشی از عملیات نیروهای ایران را در اعلامیه ۵۰۳ خود اعلام کرد؛ مهم‌ترین عملیات یادشده در این اعلامیه بشرح زیر است:

در جبهه‌های مرزهای عراقی زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین رزمندگان نیروی زمینی قرار گرفت که منجر به انهدام ۵ سنگر اجتماعی و یک خودرو دشمن شد و یک تانک دشمن نیز آسیب دید. در همین جبهه مواضع دشمن در منطقه «پنجوین» مورد هدف بقیه در صفحه ۴

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

روز دوشنبه «نامه مردم» منتشر نمیشود

هدف هر نظام...

بقیه از صفحه ۱
وارد آمده، ولی از آنجا که برای تدوین برنامه‌های اقتصادی و عمرانی درازمدت کاری جدی انجام گرفته و اقدامات انجام شده هم منسجم و در هماهنگی با یکدیگر نبوده، نتوانسته است تحولی اساسی در زندگی محرومان جامعه پدید آورد و بار فقر و حرمان را از دوش آنان بردارد. برای نمونه سرمایه‌داری بزرگ وابسته در بخش صنعت، کشاورزی و ساختمان محدود و در مواردی محدود شده، ولی در بخش بازرگانی، به علت عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و فقدان کنترل کامل دولتی بر صادرات و واردات و توزیع کالا، عرصه غارتی برآفتاب وسیع‌تر از دوران طاغوت بیچنگ آورد و شکاف طبقاتی را تعمیق کرد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در یکی از خطبه‌های نماز روز جمعه (۲۸ اردیبهشت) به ضرورت یک نظام اقتصادی عادلانه در جامعه اشاره کرد و گفت: «اگر نظام اقتصادی جامعه طوری باشد که مردم متوسط جامعه به طرف اشرافی شدن کشیده شوند و مردم فقیر به طرف فقیرتر شدن بروند، این نظام اجتماعی غلط است.»

امام جمعه تهران افزود: «در جامعه باید روال اقتصادی طوری باشد که مردم فقیر بسوی رفاه حرکت کنند، اما مردمی که از رفاه برخوردار هستند بسوی رشد سرمایه و رفاه سیر نکنند؛ زیرا باز اختلاف سطح زندگی مردم و در نظام جمهوری اسلامی باید وضع اقتصادی و ترکیب برنامه‌های دولت جمهوری اسلامی طوری باشد که مردم فقیر و مستمند، که اکثریت جامعه ما را تشکیل می‌دهند، بروند به سمت یک زندگی رفاه کامل، اما کسانی که از وضع زندگی رفاهی برخوردار هستند، اشرافیگری.»

ایجاد جامعه‌ای متعادل، با این کیفیت، بی‌تردید خواست هر مبارز انقلابی است. اما متأسفانه از سوی درگروه در راه آن سنگ‌اندازی میشود:

گروه اول کسانی هستند که میخواهند راه تکامل سرمایه‌داری را بر کشور ما تحمیل کنند. سرمایه‌داری لیبرال ایران‌بیانگر پرلجاج چنین گرایشی است. اینان وجود پدیده ثروت و فقر را «برجامه طبیعی» میدانند، استثمار نیروی کار زحمتکش را «ضرورتی» بربرگرد می‌شناسند و در نظام بهره‌کشی عیب‌واری نمی‌بینند.

گروه دوم کسانی هستند که میخواهند این باور را بر جامعه تحمیل کنند که گویا خواست یک زندگی انسانی، نامش «رفاه‌طلبی» است و رفاه‌طلبی بمعنای سقوط معنوی انسان. اینان ابراز نگرانی میکنند که نکنند در جریان مبارزه برای کار و نان و مسکن و بهداشت و مدرسه، زحمتکش با سر به ورطه «رفاه پرستی» و «دنیاپرستی» افتند. در جامعه ما، که متأسفانه هنوز طبقاتی است و هنوز در آن آثار نفوذ امپریالیسم در زمینه‌های مختلف

مردم قهرمان...

بقیه از صفحه ۱

علی دستور داده میشود که پرواز کند و هدف‌هایی را در ایران بمباران نماید، او اطاعت نمی‌کند و می‌گوید:

«در ایران هیچ هدفی را بمباران نمی‌کنم، ولی آماده هستم هر هدفی را که در اسرائیل بخواهید، بمباران کنم.»

صدام حسین، شخصا بوسیله تلفن فرمان میدهد تا او را اعدام کنند. جلالان صدام حسین، سروان شجاع و جانباز عراقی را نیز بمباران کردند. هنگامیکه پیکر گلگون سروان شهید عراقی را تحویل خانواده‌اش دادند، جلالان آنها را از برگزاری هرگونه مجلس ختمی منع کردند و گفتند که در صورت تشکیل مجلس ختم، کلیه آنها را اعدام خواهند کرد.

شکاف «در ارتش داوطلب»

شب ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت ۱۹۸۰، چند تن از افراد «ارتش داوطلب»، که مخالف رژیم بودند، اتومبیلی را برداشتند و بوسیله آن خود را به نزدیک اردوگاه «ارتش داوطلب» رساندند و بسوی افراد آن تیراندازی کردند و ۱۴ تن را به قتل رساندند. در عصر، عده‌ای از اهالی لباس «ارتش داوطلب» را به تن کردند و به اردوگاه «ارتش داوطلب» در این شهر حمله بردند و با همکاری برخی از افراد «ارتش داوطلب»، که مخالف رژیم بودند، عناصر طرفدار رژیم را تصفیه و ساختمانها را منفجر کردند. نظیر این عمل تقریباً در همه استانها روی داده است.

فرمانده «ارتش داوطلب» در شهر «سماوه»، افسراد تحت فرماندهی را جمع کرده، طی یک سخنرانی از آنها میخواهد که داوطلب شوند و به جبهه جنگ بروند. او بسیار حماسه آمیز و «هیجان برانگیز» سخن گفت. اما هیچکس داوطلب نشد. فرمانده بار دیگر سخنش را با عبارات «هیجان برانگیز» از سر گرفت. باز هم فایده‌ای نداشت. سپس به ارباب روی آورد و افراد را در صورت سرپیچی از داوطلب شدن به اعدام یا زندان تهدید کرد. باز هم هیچکس

سپاهیان پاسدار...

بقیه از صفحه ۱

آتش نیروهای جان‌برکف مقرر گرفت که در نتیجه، تعدادی توپ ۱۲۰ میلی‌متری، سه نفری، یک توپ ضد هوایی و ۱۰ سنگر اجتماعی و افرادی دشمن به آتش کشیده و نابود شد.

در یکی از جبهه‌های غرب دزفول در اثر اجرای آتش رزمندگان نیروهای مسلح ۴ خودرو، یک وضعیت تیربار، یک خمپاره‌انداز ۸۳ میلیمتری، یک سنگر اجتماعی و دو انبار مهمات دشمن به نابودی کشیده شد. یک تانک نیروهای صدام نیز مورد اصابت آتش نیروهای ما قرار گرفت و از کار افتاد. بربروز و پیریشب شهرهای اهواز و آبادان مورد حمله موشکی و توپخانه دشمن قرار گرفت که خسارات و ضایعاتی نیز داشت.

عملیات سپاه پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم طی اطلاعیه‌ای جانبازیهایی پاسداران قهرمان و دیگر رزمندگان را اعلام داشت. مهم‌ترین این عملیات در زیر آمده

داوطلب نشد، فرمانده دستور داد تا هر کس از فرمان داوطلب شدن اطاعت نکند، به سازمان امنیت تحویل داده شود.

اعمال جنایتکارانه توسط مزدوران صدام حسین «عادی» شده است

در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۹۸۱، دژخیمان رژیم، دهها جنازه را در منطقه آلازورگانه، واقع در شمال شرقی بخش الخضر، دفن کردند.

این جنایت از زمره عادی‌ترین اعمال دژخیمان صدام حسین علیه مبارزان است.

دستگیری پیرمرد ۷۵ ساله بجزم امتناع از جنگ

در حدود بهمن‌ماه، دژخیمان صدام حسین، پیرمرد ۷۵ ساله‌ای بنام راضی از عشیره ظوالم را دستگیر کردند. جرم این پیرمرد آن بود که رفتن داوطلبانه به جنگ را نپذیرفته بود!

با برانکاره به جبهه

در شبی که اعلامیه شماره ۱۳۰ رژیم صدام دایر بر اینکه پیرمردان بیش از ۶۵ سال هم باید داوطلبانه (!) به جبهه بروند، پخش شد، در استان قاسمی، تمام ماشینهای دولتی عازم شهرستانها و بخش‌های اطراف شدند، تا «داوطلبان» را تا صبح زود بعد در مرکز استانداری جمع کنند. در اعلامیه دستور داده شده بود که کسانی که بعنوان پیری یا بیماری از آمدن خودداری می‌کنند، باید پسر وسیله، حتی با برانکاره هم که باشد، به مرکز استان آورده شوند.

مزدوران رژیم صدام به همین نحو عمل کردند و عده‌ای را با این وضع به مقابل استانداری بردند. صبح کسه شده، مقابل استانداری از اینگونه «داوطلبان» علیل و بیمار و پیر، پر بود. در این شرایط عده زیادی از خانواده‌ها تصور کردند که جنازه فرزندان آنها را از جبهه‌های جنگ آورده‌اند. پس با فریاد و شیون برای گرفتن اجساد شهیدانشان به کشتی‌های پلیس حمله کردند.

(۱) - «جیش الشعبی» که ما آنرا «ارتش داوطلب» ترجمه کرده‌ایم، نیروی است داوطلب و مزدبگیر و ربطی با ارتش رسمی ندارد.

است:

منطقه گیلان غرب - اینان گران پاسدار موفق شدند بامین گذاری یکی از جاده‌های تدارکاتی دشمن در این منطقه یک خودروی قوای کفر را به همراه سرنشینان آن منهدم کنند.

در جبهه «تنگ حاجیان» دربی حمله گروهی از قوای صدام ۸ تن کشته و زخمی شدند.

آبادان - واحد خمپاره‌اندازان سپاهیان پاسدار موفق شدند یک انبار مهمات قوای متجاوز یعنی را در جبهه ایستگاه ۷ آبادان نابود کنند.

در جبهه «فیاضیه» نیز یک انبار مهمات و ۳ نفر از مزدوران صدام نابود شدند. همچنین آتش خمپاره‌انداز پاسداران انقلاب اسلامی براسکله و تاسیسات نفتی «فاره» صدمات و تلفاتی را بر صدامیان وارد آورد.

واحد خمپاره‌انداز سپاهیان پاسدار در جبهه «مهدزی» موفق شد یک خودرو حامل مهمات را منهدم کرده و قسمتی از مقر استقرار قوای متجاوز صدام را نابود کنند.

پیام شادباش

سازمان حزب توده ایران در همدان

بمناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای ارجمند کمیته مرکزی حزب توده ایران! صمیمانه‌ترین تبریکات ما را به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بپذیرید. این رویداد بزرگ، در این لحظات سرنوشت‌ساز تاریخ مبین ما و انقلاب شکوهمند صدام‌پریالیستی، مردمی و ضداستبدادی خلقهای ایران، بحق شایسته آست، تا چون برگ زرین در دفتر مبارزات طبقه کارگر رزمنده و خلقهای دلیر ایران، بنشیند.

گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی و برنامه حزب توده ایران مصوب پلنوم، به روشنی نشان داد که حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، در فاصله بین دو پلنوم، چه گامهای استوار و بلندی در راه هدایت مبارزات غرورآفرین و بی‌امان مردم مبین ما، برای استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی برداشته است.

اعضا و هواداران حزب توده ایران در همدان بخوبی میدانند که پیروزیهای چشمگیر حزب پرافتخار ما، جز در سایه بکارگرفتن دقیق و پیگیرانه اصول سوسیالیسم علمی در عمل و تلاش خستگی‌ناپذیر رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران و مبارزه پرشور و صادقانه همه رفقای حزبی بدست نیامده است.

از همین رو، ما با سری افراشته اعلام می‌داریم که در شرایط کنونی، برنامه حزب توده ایران، مصوب هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران را، که بازتاب مشی اصولی و انقلابی حزب ماست، همچون پرچم مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب صدام‌پریالیستی، مردمی و ضداستبدادی ایران به رهبری امام خمینی، همواره در پیش چشم داریم.

رفقای گرامی! یک بار دیگر، شادباش‌های رفیقانه ما را همراه بهترین آرزوها برای موفقیت شما و همه رفقای مبارز توده‌ای بپذیرید.

زننده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا!

نمونه یک...

بقیه از صفحه ۱

آتراساخته و اکنون هم اجاره‌دهنده آست.

۳- حزب توده ایران و شخص من حاضری تمام آن حقوقی را که به ادعای دقتی مجهول - الهویه، در مقابل پرداخت ۱۴ میلیون تومان، در زمینه مالکیت این خانه، به ما تعلق میگیرد، براساس همین نوشته، بلاعوض به این آقای «دقتی مجهول الهویه» منتقل سازیم، بشرط اینکه ایشان حاضر شوند یکبزار تومان پانام ما، به صندوق کمک به آوارگان جنگ واریز نمایند.

۴- اگر این آقای مجهول - الهویه مدعی پیروی از مکتب اسلام است، به ایشان بیاموزید که در جمهوری اسلامی ایران «افترا» جزء جرم‌های بزرگ محسوب میشود و معمولاً بدخواهان، مشکوکان و افرادی که از منطبق ضعیف برخوردارند، به فحاشی متوسل میشوند و اقرا نوع بسیار زشتی از فحاشی است.

۵- ما مبارزان راه محرومان جامعه ایران اکنون دهها سال است با امثال این «دقتی‌بان» روبرو هستیم و پاسخ ساده ما بر آنان اینست: بر دانه کبریا نشینند گرد.

درخواست من برای خرید یک دوره لفت‌نامه دهخدا بقوت خود باقی است.

رو نوشت: برای اطلاع ریاست دانشگاه تهران ارسال میگردد. کیانوری

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!



# سیستم چندحزبی در کشورهای سوسیالیستی

مسئله اتحاد احزاب، سازمان‌های سیاسی و همه نیروهای خلق، نه تنها در شرایط تدارک انقلاب، بلکه پس از پیروزی انقلاب و حتی در دوران ساختمان جامعه نوین، از عمده‌ترین هدف‌های مبارزان متقدم سوسیالیسم علمی است. وجود سیستم چندحزبی که معرف همکاری طبقات و اقشار گوناگون اجتماعی در بسیاری از کشورهای سوسیالیستی و تحکیم پایه‌های این اتحاد در روند تکامل و شکوفایی جامعه است، بهترین مؤید این معنی است. مقاله‌ای را که در زیر می‌خوانید، زمینه‌ها و ضرورت‌های سیستم چندحزبی را در برخی از کشورهای سوسیالیستی واقع‌های این-گونه همکاری‌ها را در شرایط اجتماعی مختلف بررسی می‌کند.

معتقدان به مذهب در برخی از کشورهای سوسیالیستی، در احزاب خاص خود متحد میشوند. رهبری حزب طبقه کارگر در این کشورها، بمعنی از میان رفتن استقلال احزاب دیگر نیست.

غیرپرولتری، همانا قبول نقش پیشواز احزاب کمونیست و کارگری در ساختمان سوسیالیسم از سوی این احزاب است. این امر نتیجه منطقی بیشتر افت اجتماعی و سیاسی این احزاب است؛ زیرا آن‌ها با استفاده از تجربه خود دریافتند که فقط کمونیست‌ها دارای برنامه‌های برپایه علمی برای ساختمان جامعه نوین هستند. جامعه‌ای که کاملاً با منافع اساسی طبقه کارگر مطابقت دارد. این احزاب دریافتند که کمونیست‌ها پیش از طبقه کارگر، این مترقی‌ترین، آگاه‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین طبقه جامعه نوین هستند و کمونیست‌ها در نظر دارند، که اتحاد طبقاتی وسیعی بوجود آورند و همه بخش‌های مردم زحمتکش را در ساختمان سوسیالیسم شرکت دهند. برسمیت شناختن نقش هدایت کننده احزاب کمونیست و کارگری به این معنی نیست که سایر احزاب سیاسی استقلال خود را از دست بدهند. در چارچوب اتحاد احزاب، هر یک از آن‌ها مضمون مشخص فعالیت و شیوه‌های خود را خواهد داشت. متفکراً با کمونیست‌ها پیگیرانه سیاست همکاری با سایر احزاب را دنبال می‌کنند و به هر طریق بر ضرورت و اهمیت تقویت فعالیت مشترک‌های می‌فهرند.

در جریان ساختمان سوسیالیسم راهبانی برای همکاری کمونیست‌ها با سایر احزاب و نیز شرکت این احزاب در اداره امور جامعه بدست آمد. در آن کشورها سوسیالیستی، که سیستم چندحزبی دارند، همه احزاب سیاسی سایر سازمان‌های سیاسی اعضای یک انجمن اجتماعی-سیاسی توده‌ای و یا نوعی جنبه ملی هستند. علاوه بر برخی از کشورها اشکال دیگری از وحدت و هماهنگی بین احزاب وجود دارد. بطور نمونه در لهستان کمیسیون‌های توافق بوجود آمده‌است. کنفرانس‌ها و مباحثات مشترک تشکیل می‌شود و هیئت‌های نمایندگی احزاب به شرکت در کنفرانس‌های یکدیگر دعوت می‌شوند. موارد دیگری نیز وجود دارد که چند حزب تصمیمات مشترکی را به تصویب می‌رسانند. نمایندگان سایر احزاب سیاسی، در کنار کمونیست‌ها، به ارگان‌های محلی و دولتی در سطوح بالاتر وارد می‌شوند و در دولت و اداره امور اجرایی ملکت شرکت می‌کنند. تاریخ نشان می‌دهد که نیروهای متخاصم با سوسیالیسم، از هیچ تلاشی برای ازهم پاشیدن بنیان‌های سیستم چندحزبی در کشورهای سوسیالیستی فروگذار نمی‌کنند. یکی از دلایل این مدعا، شورش‌های ضدانقلابی در مجارستان در ۱۹۵۶ (و وینک بحران سیاسی و تفرقه‌افکنی در لهستان) است. در آن هنگام نیروهای راست در صدد احیای احزاب بورژوازی برآمدند و کوشیدند تا احزاب جدیدی تشکیل دهند. سازمان‌دهندگان توطئه ضد سوسیالیستی چکسلواکی در ۱۹۶۸ نقش مهمی را به‌دگرگونی بورژوازی اختصاص دادند، که هدف از تجدید آن، ایجاد نیروی سیاسی مستقل برای مخالفت کردن با حزب کمونیست بود. عناصر راستگرا کوشیدند تا حزب کمونیست را از ایفای نقش رهبری کنند. آنها با جامعه باز دارند و ائتلاف‌های پارلمانتاریستی را احیا کردند و سیاستی باهدف تجدیدنظم ماقبل‌مونیخ در پیش گرفتند. شکست نیروهای ضد انقلابی این توطئه‌ها را عقیم گذاشت. ستیزه جویان ایدئولوژیک و سیاسی با سوسیالیسم مجدانه در تلاشند، تا ثابت کنند که سیستم چندحزبی تنها هنگامی بکار می‌رود که احزاب، به احزاب حاکم و اویزیسیون تقسیم شوند و در مبارزه بر سر قدرت به سر و کول یکدیگر بزنند. به دیگر سخن، آن‌ها معیار دمکراسی در یک

در کشورهای سوسیالیستی در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم پایه‌گذاری شدند. تداوم سنت‌های مترقی و انقلابی این احزاب طبیعتاً بر شکل‌گیری سیستم سیاسی در جامعه نوین تأثیر نهاد. سیستم چندحزبی عموماً در کشورهای وجود دارد که پیش از انقلاب نیز این سیستم در ازمنه طولانی در عرصه حیات سیاسی آنها وجود داشته است، چکسلواکی، لهستان و بلغارستان از جمله این کشورها هستند. در ذهن بخش‌های وسیعی از مردم، وجود بسیاری از احزاب مربوط به دوران حدنهایی بیشتر دمکراسی بورژوازی بوده‌است، در عین حال که هنگام تسلط فاشیسم و ارتجاع، آن‌ها شاهد بودند که چگونه آزادی‌ها برای کمونیست‌ها و حتی برای بسیاری از احزاب بورژوازی محدود شد و یا بکلی از بین رفت. بقدرت رسیدن فاشیسم - هادر آلمان به سیستم چندحزبی در جمهوری ویمار (Weimar) خاتمه داد. در چکسلواکی فروریختن رژیم ماقبل مونیخ، منجر به ادغام احزاب بورژوازی در یک حزب فوق‌ارتجاعی بنام "حزب اتحاد ملی" شد.

جنبه‌های مثبت سیستم چندحزبی طی ساختمان سوسیالیسم، در آن دسته از کشورهای که احزاب غیر-پرولتری آن‌ها بر نفوذ افکار بورژوازی غلبه کردند و به ساختمان جامعه نوین پیوستند، بخوبی باز بود. این احزاب باجای داشتن درجه‌بندی متحد و شرکت دادن نمایندگان خود در دولت سهم خود را در انجام تحولات اجتماعی بنیادی ادا کردند. احزاب غیرپرولتری بخش‌های وسیعی از زحمتکشان، از جمله دهقانان، روشنفکران، صنعتگران و غیره را در امر ساختمان سوسیالیسم بسیج می‌کنند. در پاره‌ای موارد احزاب غیرپرولتری به‌جوانانگه نیروهای راستگرای که در صدد احیای سرمایه‌داری بودند، تبدیل شدند و بصورت سازمان‌های ضدانقلابی درآمدند و به نظریه سیستم چندحزبی جهت ارتجاعی دادند، در برخی کشورها سیستم چندحزبی جای خود را به سیستم تکحزبی داد، زیرا ادامه موجودیت سیستم چندحزبی در جهت مخالف منافع طبقه کارگر سببی کرد.

برخلاف ادعای مخالفان ایدئولوژیک و سیاسی سوسیالیسم، کمونیست‌های لنینیست روسیه بر این اعتقاد بودند که شرکت احزاب و گروه‌های خرده‌بورژوازی دمکرات در زندگی اجتماعی کشور، و سبزه در دستگاه دولتی، نه تنها امکان‌پذیر، بلکه امری مطلوب است، مشروط بر اینکه این دمکرات‌ها تحولات انقلابی و سیستم سیاسی شوروی را برسمیت بشناسند. تاریخ اتحاد شوروی شاهد تشکیل یک بلوک چندحزبی است. در مارس ۱۹۱۸ اتحاد کمونیست‌های لنینیست روسیه با رولوسیونرهای انقلابی، همکاری گسترده دهقانان و طبقه کارگر را باعث شد. این بلوک از سوی سوسیال رولوسیونرها که دست به مبارزه‌های شدید علیه دولت شوروی زدند، از میان رفت. این امر کنگره‌مینجم شوراها را سرسری روسیه را وادار به اتخاذ تصمیمی کرد که در روند اجرای آن، همه سوسیال رولوسیونرهای چپ، که در توطئه‌ها شرکت داشتند و از سیاست ضد شوروی رهبری خود حمایت می‌کردند، از شوراها اخراج شدند. بدین ترتیب استقرار سیستم تکحزبی ناشی از شرایط تاریخی ویژه حاکم بر کشور بود.

خود تغییر زندگانی در روستا و طرز فکر دهقانان را منعکس می‌سازد. در مراحل اولیه مبارزه در راه سوسیالیسم احزاب دهقانی توجه خود را بطور عمده بر روی اصلاحات ارضی و مسائلی که مربوط به تحکیم و گسترش دست - آوردهای انقلابیست، متمرکز کرده بودند. در حال حاضر این احزاب فعالانه در ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته شرکت می‌جویند. گروه دیگری مرکب از احزابی است که بطور عمده در برگیرنده اقشار شهر - نشین است؛ نمایندگان روشنفکران قدیمی، صنعتگران و تاجر محدودی کارگرانی که بیشتر در موسسات کوچک بکار مشغولند. این اقشار پایگاه عضو - گیری حزب دمکراتیک لهستان، حزب لیبرال دمکراتیک آلمان و حزب سوسیالیست چکسلواکی را تشکیل می‌دهند. این احزاب کوچکتر از آن دسته احزاب دهقانی‌اند، که لزوماً تراکم و حجم واقعی طبقات و اقشار جامعه را منعکس می‌سازند. احزابی که نمایندگی "اقشار متوسط" شهری و تاجران روستایی را بعهده دارند، به‌ترین سنت‌های جنبش لیبرال - دمکراتیک را در یک جامعه ماقبل انقلابی تداوم می‌بخشند و به این گروه‌های مردم کمک می‌کنند، تا بر برنامه سیاسی سوسیالیستی را بپذیرند و فعالانه در ساختمان سوسیالیسم شرکت کنند.

برخی از کشورهای سوسیالیستی دارای احزابی هستند که معتقدان مذهبی را بر محور خود متحد می‌کنند. از آن جمله اند انداتحاد مسیحیان آلمان، حزب خلق چکسلواکی، احزاب مزبور اعضای خود را به شرکت فعال در انجام وظایف اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک، که مربوط به ساختن و پیش بردن سوسیالیسم است فرامی‌خوانند. در چکسلواکی کشوری که دو خلق برادر (چک‌ها و اسلواک‌ها) را در خود جای داده‌است، ساختار سیاسی جامعه ویژگی‌های خاص خود را دارد. از حیث تاریخی تمامی احزاب غیر-کمونیست در بوهمیا (Bohemia) و اسلواکی (Slovakia) فعالیت می‌کردند. این امر تا حدود عینی به ترکیب ملی جمعیت و گرایشهای نسبتاً قوی شوونیستی رهبری احزاب بورژوازی چک و اسلواکی بخش‌های فوقانی بورژوازی اسلواک مربوط بود. هنگامیکه حاکمیت مردم آغاز شد، مناسبات ملی در جمهوری بنحوی موفقیت آمیز بر پایه اصول انترناسیونالیسم پرولتری تکامل یافت، لکن تقسیمات منطقه‌ای احزاب غیر-کمونیست موجود به همان ترتیب باقی ماند.

ایجاد و حفظ احزاب سیاسی غیر کمونیست در سوسیالیسم می‌تواند علت‌های دیگری نیز داشته باشد. فی-المثل در آلمان دمکراتیک در سال ۱۹۴۸ حزب دمکراتیک ملی با اعتقاد به جذب سربازان و برخی افسران و رماخت (Wehrmacht) - شهیتلری (شهیتلری) کارمندان دستگاه‌های پیشین و اعضای دون پایه حزب نازی و بمنظور بنای آلمان نوین تشکیل شد. این حزب به طرق گوناگون به اعضای خود کمک کرد تا غبار گذشته را از تن بزدایند و تدریجاً خود را با موقعیت سوسیالیستی تطبیق دهند و جای مناسب خویش را در دولت خلق بیابند. حزب دمکراتیک ملی سرانجام نمایندگان خرده بورژوازی شهری و صنعتگران را در صفوف خود جای داد.

## سنت‌های تاریخی و وضع جدید

سنت‌های تاریخی تأثیر خود را بر تشکیل سیستم سیاسی چندحزبی در پاره‌ای از کشورهای سوسیالیستی بخشیده‌است. تعدادی از احزاب دمکراتیک - ملی غیرپرولتری موجود

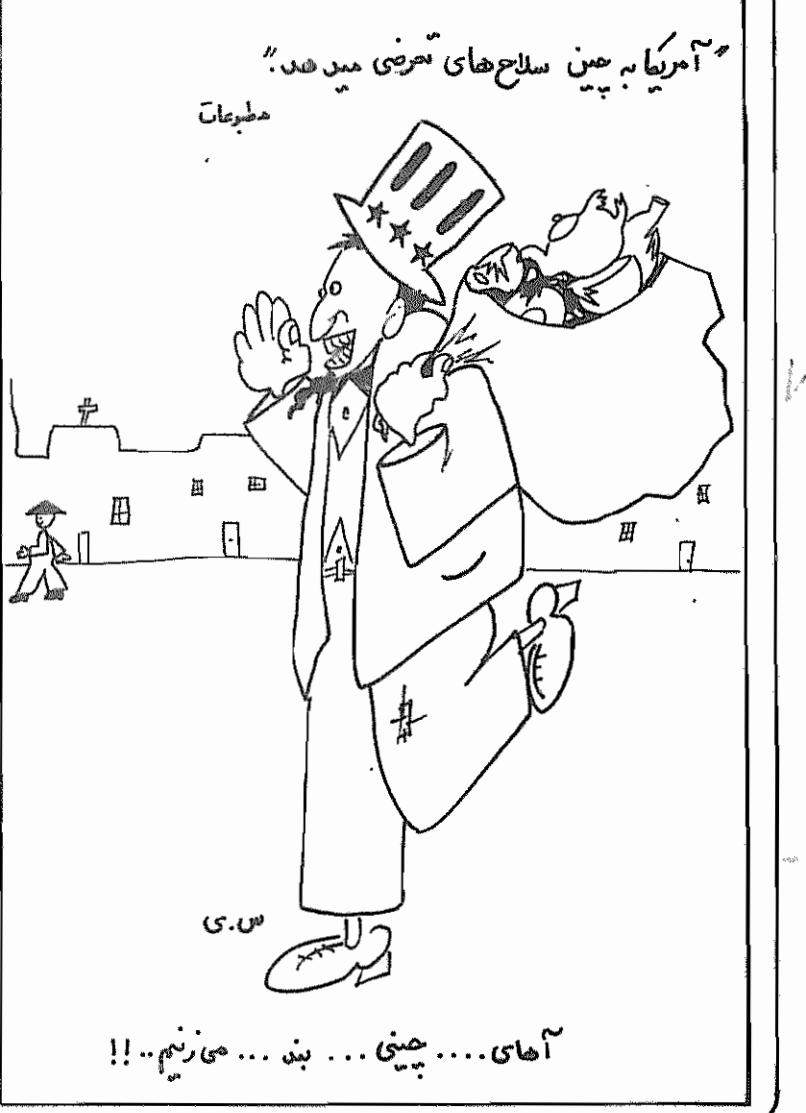
کارگر و دهقانان، روشنفکران و سایر بخش‌های غیرپرولتری وسیع توده‌ها به‌گردد برنامه ساختمان سوسیالیسم است در سوسیالیسم، طبقاتی از قبیل بورژوازی بزرگ و ملاکان وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. این طبقات با اولین تحولات انقلابی، که از سوی حکومت خلق صورت می‌پذیرد، از صحنه سیاسی محو می‌شوند. تجدید سازمان سوسیالیستی کشاورزی بنوبه خود کولاک‌ها (دهقانان ثروتمندی که کارگر مزدور استثمار می‌کردند) را به عنوان یک طبقه بنا می‌کند. جامعه سوسیالیستی بطور عمده مرکب از دو طبقه یار و همراه کارگران و دهقانان - و نیز روشنفکران است، و بنا بر این فارغ از تضادهای لاینحل اجتماعی است که در سرمایه‌داری بصورت احزاب سیاسی مخالف و رقابت سهمگین بین آن‌ها تجسم می‌یابد.

## علت وجود سیستم چندحزبی

در بین احزاب غیر کمونیست کشورهای سوسیالیستی، در وهله اول باید از احزاب دهقانی نام برد: اتحادیه کشاورزی خلق بلغارستان، حزب دمکراتیک دهقانان (جمهوری دمکراتیک آلمان) و حزب متحد دهقانان در لهستان، از جمله این احزاب هستند. حزب خلق چکسلواکی رانیز، که دهقانان بطور سنتی اکثریت اعضای آن را تشکیل می‌دهند، می‌تواند در این گروه جای داد. حزب بازسازی اسلواک نیز بیشتر با روستا سر و کار دارد، تا با شهر. طی سالیان حاکمیت خلق، احزاب دهقانی در این کشورها تحول ریشه‌ای یافته‌اند. این تحول بنوبه

وجود سیستم تکحزبی یا چندحزبی در کشورهای سوسیالیستی، بیش از همه با اشکال ویژه سیاست پرولتاریا در قبالی اتحاد طبقاتی، رابطه تنگاتنگ دارد. لنین نوشت: "بدون اتحاد با غیر کمونیست‌ها در اکثر زمین‌ها، سخنی از ساختمان موفقیت آمیز کمونیسم نمی‌تواند در میان باشد". تقویت مداوم این اتحاد برای بنای جامعه نوین ضرورت است. مسئله سیستم چندحزبی یا تکحزبی در ساختار سیاسی جامعه بناچار گوناگون در کشورهای مختلف حل می‌شود. بطور نمونه در مغولستان، در مسیر مبارزه در راه سوسیالیسم، سیستم تکحزبی یا به عرصه وجود نهاد، در حالیکه در لهستان، آلمان دمکراتیک، چکسلواکی و بلغارستان مسئله پیچیده تر بود و حل آن بذل دقت فراوان از سوی مارکسیست - لنینیست‌ها را می‌طلبید. در لهستان این ویژگی بنحوی دیگری مطرح بود. سیستم سیاسی در این کشور رشد همکاری حزب متحد کارگری لهستان با متحدینش یعنی حزب متحد دهقانان و حزب دمکراتیک را در دستور قرار می‌داد.

بدین ترتیب ساختار سیاسی تکحزبی یا چندحزبی در یک کشور سوسیالیستی خاص، بر پایه طرح‌های جزئی و از پیش تعیین شده استوار نمی‌شود. این امر به شرایط ویژه زمان گذار آن کشور از سرمایه‌داری به سوسیالیسم بستگی دارد. گاهی شرایط به‌نحوی است که تنها راه حل صحیح از نقطه نظر منافع طبقه کارگر ارائه سیستم تکحزبی است، در حالیکه در موارد دیگر، سیستم چندحزبی ضرورت می‌یابد. در هر حالت، مسئله اصلی همانا یافتن شکل موثری از اتحاد بین طبقه



آهای ... چینی ... بند ... می‌زنیم !!

همکاری سیاسی در سوسیالیسم مسئله اهمیت پیشرفت احزاب بقیه در صفحه ۶

در اهواز:

در قلب نبرد علیه تجاوزگران آمریکائی - صدامی جشن اول ماهمه باشکوه هر چه تمام تر برگزار شد

در بزرگداشت روز اول ماهمه در اهواز: کارگران وزحمتکشان، آمریکای جنایتکار و عمال داخلی او را محکوم کردند.



کنندگان در راهپیمائی طنین برمی دارد و تادوردست شهر، آنجا که صدامیان تجاوزکار زانو به زمین گذاشته اند، فرو می گوید:

"کارگران ایوان پیروان امامند"

علیه امپریالیسم آماده قیامند"

صف راهپیمایان به آستانه خیابان

طالقانی می رسد، خم برمی دارد و به تمامی

خیابان دکنتر شریعتی (سی متری) سرریز

می کند. اینجا، رودرروی ویرانه های بجا

مانده از یکی از حمله های نا جوانمردانه

موشکی قرار می گیرد. در جایی از حریم

این ویرانگی، که باسیم خاردار از خیابان

جداشده، این مترسک عمو سام است که

از گلو به دار کشیده شده است. موج خشم

و تائر به چشم ها می ریزد و با زبان فریاد

از دهان ها بیرون می تابد: "مرگ بر

آمریکا! مرگ بر آمریکا!" در آهنگ

مانوس این واژه ها گام ها را سخته می-

شود و جانی تازه می گیرد. جلو، درپیشا-

پیش صفوف، مشت مصمم ننگر قهرمان

همچنان برکله "عمو سام" فرو می گوید.

امروز کارگران وزحمتکشان ایران را

بیش از هر روز دیگری دشمن خود را

می شناسند و با توطئه های ددمنشانه

رنگارنگ او آشنا هستند. در طول خیابان

"دکنتر شریعتی"، در هر فریادی، رایحه

این بلوغ و بالندگی گسترده می شود و

طنین زنگدار زنان، که یک زبان واژه ها

را کامل می کنند:

"آمریکا دشمن توست" کارگر،

کشاورز!"

کارگران، کارگران، بازوی انقلابند

مخالف توطئه و اخلاص و اعتصابند"

"قانون کار طاغوت نابود باید گردد."

صفوف راهپیمایان خیابان "دکنتر

شریعتی" را در رنگارنگی پلاکاردها و

پیراهن ها طی می کند و دانه های جدا

مانده را در بیاد مرو، با تکیه داده به

دیوار، در خود فرامی خواند.

جلودر ورودی "پارک شماره ۵"

(پایان راهپیمائی) شور و ولوله این

کندوی گام و بازوبه اوج می رسد. "عمو

سام" زیر مشت های توانمند ننگر خم

می شود و فرو می افتد وزیر گام ها له می-

شود: "مرگ بر آمریکا!"

مردم قهرمان وزحمتکش اهواز، یازدهم اردیبهشت ماه جاری، اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران وزحمتکشان جهان را، با شکوه تمام برگزار کردند.

در مراسم راهپیمائی که از جانب "ستاد بزرگداشت روز جهانی کارگر" رهبری می شد، کارگران موسسات مختلف صنعتی اهواز، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی حفاری، مجتمع فولاد اهواز، نیروگاه برق رامین، نورد و دیگر مراکز صنعتی اهواز شرکت داشتند.

باینکه آغاز راهپیمائی ساعت ۹ صبح اعلام شده بود، اما از همان نخستین ساعات روز، گروه های مختلف مردم در محل شروع راهپیمائی گرد آمدند. گل لبخند بر لبها نشسته بود و از بازوهای اینها گرگ، عطر سخاوت می تراوید. مردم بر گرداگرد این جان های شریف وزحمتکش حلقه زده بودند، تادر بزرگداشت روز جهانی کارگر، بار دیگر وفاداری خود را به آرمان های انقلاب و تنفرشان را به دشمن غدار و دسیسه گر، امپریالیسم آمریکا ابراز دارند. عده ای این روز جهانی را به هم تبریک می گفتند، بعضی آمریکا و صدام جنایتکار را لعن و نفرین می کردند و گروهی با شور و هیجان پلاکاردها و شعارها را، واژه واژه می خواندند.

"روز جهانی کارگران را به خانواده شهید، که جان خود را نثار انقلاب می کنند، تبریک می گوئیم."

در جلو صف راهپیمایان، تصویر ۲۲ تن از کارگران شهید جنگ تحمیلی صدام - آمریکا بر پارچه سفیدی آذین بسته و تمامی وسعت خیابان را در پهنه سید خود جای داده است.

کارگران در جای جای این انبوهه

مصمم مشت و اراده و اندیشه، سینه به

جلودا دو هم دوش با سایر اقشار زحمتکش

آماده برای راهپیمائی شدند. صدائی

از بلندگو آغاز راهپیمائی را اعلام

می دارد و مردم، زن و مرد، جان های

تنبه و خلاق، در صفوف طولانی متشکل

و فشرده می شوند و مصمم و بسی مراس

تنگاتنگ یکدیگر جای می گیرند. عطر

نفسها در خیابان می پیچد، غبار رقیق

معلق هوا را می شکافد و بر شهر نور و

امید می باشد. اگر چه شهر بر جای جای

چهره اش زخم جنگ دارد، اگر چه برام

فروریخته ای یا هر دیوار بجا و رنشته ای

حکایت از ددمنشی و تبهکاری دارد و در

جنايتكار صدام - آمریکا را دارد، اما

امروز، در حضور شورانگیز کارگران و

زحمتکشان، اراده استوار مبارزه سازندگی

در نگاهها و دهانها، یکپارچه فریاد

می شود.

ابتدا از بلندگو مختصری از تاریخ

مبارزه کارگران وزحمتکشان جهان و

پیدایش روز اول ماه مه صحبت می شود،

وسپس خاطر محانبازی و فدائیکاری کارگران

قهرمان "جهان چیت"، در دوران سیاه

استبداد سلطنتی، زنده می شود، و آنگاه

صف راهپیمایان به حرکت در می آید. در

پیشاپیش صفوف، بالا، فراز تیراز

هردستی، این چهره رنج دیده و نگاه

نافذ ننگری است که در یک دست ابزار

کارش را می فشرد و با مشت دست دیگر بر

کله "عمو سام" فرو می گوید. این نمایش

و کارناوال نیست، واقعیتی است که

جاندار و سرسخت، با این فصل از تاریخ

مبارزات مردم قهرمان میهن ما آمیخته

شده است.

واژه ها در فریاد تند آسای شرکت

ریشه یابی مشکلات واحدهای تولیدی

کارخانه ونک کرج فاقد مدیریت انقلابی است

معرفی

کارخانه ونک کرج ( سازنده تجهیزات ایمنی راهها ) در شیخ آباد کرج قرار دارد و از اولین کارخانه های است که در ایران به کمک اتحاد شوروی دایر شده است.

در این واحد تولیدی حدود سیصد کارگر و کارمند کار میکنند. قسمت های مختلف آن عبارتند از: مکانیکی، گابون سازی، لاستیک سازی، نقاشی، نجاری، ریخته گری، تراشکاری، قالب سازی، انبار محصول، انبار ابزار، انبار مرکزی، کارگاه فلزکاری سبک و سنگین، کارگاه برق، برسکاری، تزریق پلاستیک و علائم سازی. همچنین دستگاه های اداری آن عبارتند از: قسمت های نقشه کشی، حسابداری، امور اداری، امور مالی، آمار و ...

در حال حاضر این کارخانه بطور عمده نیازمندی های وزارت راه را تامین می کند، ناگفته نماند که در تمام کارگاه ها دستگاه های مدرن و مجهز نصب شده است.

جو عمومی کارخانه

جو عمومی کارخانه متشنج است. بطور کلی ضد انقلاب در کارخانه بیکار

سیستم اتوماتیک رکوره کوپل مجهز شده است، هنوز ناتمام و ناقص است و اقدام قاطع و مستمر برای برآورداندازی این واحد عظیم صورت نمی گیرد. در حالی که این واحد باید کارافتادن می توانست بهترین تولیدات چدنی، برنجی سربی و آلیاژی ظرفیت را عرضه کند. این نمونه فقط از یک کارگاه کارخانه ونک است که نشان دهنده پائین بودن تولید کارخانه است. دلایل آن عبارتند از:

نبودن شورای واقعی و سندی کارگران،

نداشتن یک برنامه صحیح و اصولی در جهت انقلاب و دستاورد های آن،

نداشتن مدیریت انقلابی،

نداشتن متخصص برای راه اندازی دستگاهها،

نداشتن کنترل بر روی کارگران، طبق آمار موجود، کارخانه سالانه مبلغ صدالی صد و هفتاد میلیون ریال ضرر میدهد.

یکی از مشکلات کارخانه نداشتن یک مدیر آگاه و انقلابی است:

حفظ آرامش در محیط کارگری با کمک خود کارگران و برخورد اصولی و انقلابی مدیریت ممکن است!

مدیریت

(هیئت مدیره)

قبل از همه، به کار انداختن هر چه سریعتر تمام دستگاه های کارخانه و بالا بردن ظرفیت آن تا مرز کامل تولید از وظایف مدیریت است. از نظر محصول کارخانه، در مورد کیفیت آن و همچنین از بین بردن نقائص فنی و تکنیکی و خلاصه امور اقتصادی و مالی و نظم تولیدی ... در مجموع هیئت مدیره پاسخگوی این گونه مسائل است. این امر که در کارخانه شورا و انجمن اسلامی وجود دارد، از مسئولیت آنان نمی کاهد.

مدیریت دوران پس از انقلاب با مدیریت دوران طاغوت، از زمین تا آسمان فرق دارد. مدیریت طاغوت کارگران را به هیچ می گرفت و برای آنها کمترین ارزشی قائل نبود و کارخانه را با سربازخانه اشتباه می گرفت و دنبال استقرار نظم پلیسی - ساواکی به جای انضباط آگاهانه کارگران و کارمندان بود.

مسئولان امر باید به رفع نا رسانی های موجود در کارخانه بپردازند. یکی از مسائلی که باید به فوریت مورد توجه قرار گیرد، خارج کردن کارخانه از جو متشنج فعلی است، که بسوسلیه عناصر ضد انقلاب و برخی از مسئولین

کارخانه به آن دامن زده می شود. باید این افراد را از محیط کارخانه دور کرد، تا بیش از این به بلوا و آشوب دامن نزنند

مسئله دیگر اینک مدیریت فعلی کارخانه پاسخگوی نیازهای کارگران نیست و وظایف خود را خوبی انجام نمی دهد. باید یک مدیریت انقلابی جایگزین مدیریت فعلی شود.

وضع تولید:

برای نمونه کارگاه ریخته گری را مثال می زنیم. با آنکه این کارگاه به

در "پارک شماره ۵" پس از قرائت پیام امام خمینی به مناسبت روز کارگر، از کارگران شهید در جبهه های جنگ علیه دارودسته متجاوز صدام تجلیل به عمل می آید. سپس یکی از کارگران که در جبهه جنگ با تجاوزگران صدامی رزمیده است، با مردم سخن می گوید. او اشاره به نقش سازنده کارگران و کاروکوشش در جهت خودکفایی میهن می کند و اعلام می دارد که:

"... ما کارگران اهواز در اینجا ایستاده ایم و در جبهه و پشت جبهه می جنگیم"

در پایان، قطعه نامه ۱۲ ماده ای راهپیمائی از جانب "ستاد بزرگداشت روز جهانی کارگر" قرائت شد، که در آن از جمله "تبعیت ... از رهبری امام خمینی" و "حمایت کامل ... از تمامی نیروهای بسیج، اعم از ارتش، سپاه، بسیج مردمی و فعال کردن جبهه ها و بیرون راندن هر چه سریعتر قوای رویه زوال دشمن ... و ... منشاء همه توطئه ها بر علیه انقلاب اسلامی، ام الفساد قرن آمریکا جنایتکار" اعلام شد. هواز طرح های انقلابی دولت، مخصوصاً طرح تقسیم عادلانه ارزاق عمومی و بالا بردن دستمزدها و کارگران کشاورزی و طرح تعاونی های تولید و مصرف حمایت شده است.

کارگران وزحمتکشان اهواز طی این قطعه نامه همچنین خواهان "فراهم نمودن امکانات جهت تشکیل انجمن های صنفی و شوراهای اسلامی طبق قانون اساسی و تدوین قانون کار و تامین اجتماعی جدید و طرح طبقه بندی مشاغل با مشارکت فعال کارگران شده و اخراج کارگران ساختن و تاسیسات را از جانب پیمانکاران خونخوار به نفع انقلاب ندانسته و از مسئولین انتظار رسیدگی سریع به این مسئله را دارند.

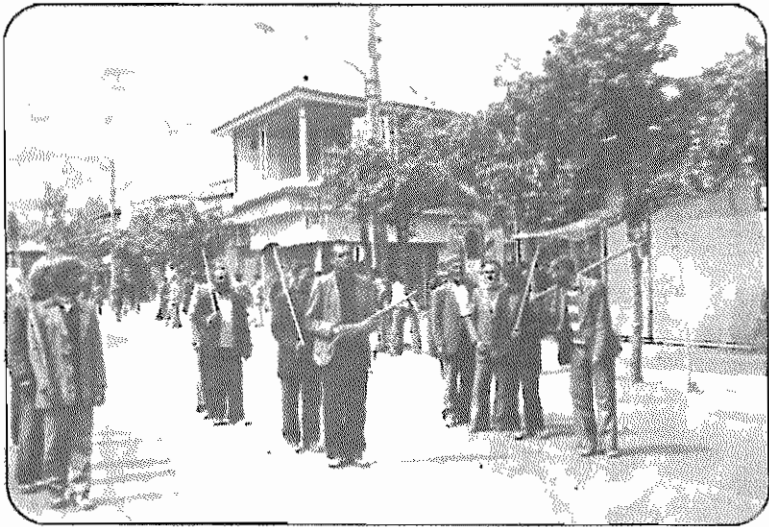
کارگران طی این قطعه نامه همچنین ... به پیروی از امام در این شرایط حساس هرگونه اعتصاب، تحصن، کم - کاری و درگیری را عملی ضد انقلابی و غیرقانونی دانسته و کسانی را که سعی در برهم زدن نظم کارخانه ها و اداره ها دارند، "جزو عوامل شیطان بزرگ آمریکا" اعلام کرده اند.

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن

و درگیری، توطئه ضد انقلاب است



## روستائیان اطراف بابل در جشن اول ماه مه



از اولین ساعات روز اول ماه مه زحمتکشان دهقانان بابل و روستاهای توابع بمسوی شهر آمدند. آن‌ها، در حالی که به وسایل و ابزارشخم مجهز بودند، در شهر به تظاهرات پرداختند و عزم راسخ خود را برای حضور در عرصه کارزار علیه امپریالیسم و بزرگ مالکان غارتگر که مسبب اصلی بدبختی‌های آن‌ها هستند، اعلام کردند. تظاهرکنندگان خواستار اجرای فوری بند "ج" و قانون اصلاحات ارضی شدند.

در بلاکاری که زحمتکشان و دهقانان حمل می‌کردند، علاوه بر بزرگداشت روز کارگر، عید همه زحمتکشان، آمادگی خود را جهت هرگونه جانمایی در جبهه‌های جنگ علیه صدام اعلام کردند.

## روستائیان زحمتکش، در جشن اول ماه مه، یکبار دیگر با کارگران اعلام همبستگی کردند



روستائیان روستاهای اطراف تهران و شهری، به مناسبت اول ماه مه در روز ۱۱ اردیبهشت ۶۰ همبستگی خود را با طبقه کارگر اعلام کردند.

روز ۱۱ اردیبهشت یکبار دیگر دهقانان و اهالی روستاهای مختلف میهمان بیوند ناگسستی خود را با طبقه کارگر ایران و همه زحمتکشان جهان به انبیا رساندند، روستائیان اطراف تهران و شهری، هم با شرکت در راهپیمایی روز جهانی کارگر و هم با چنین با برپایی نمایشگاهها و نصب تراکت‌ها و پلاکاردهای متعدد در ارتباط با این روز، در روستاهای خود، شادی خویش را در عید زحمتکشان نشان دادند. از جمله در روستاهای گلدسته، دمخیر، قوچ حصار، سلمبر، کهریزک، محمودآباد، درسون آباد، محمدآباد و... شعارها و نمایشگاهها بردیوارهای ده دیده می‌شد. عده‌ای از دهقانان و اهالی روستای گلدسته و هم چنین اتحادیه دهقانان محمودآباد در جشن انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارخانجات تهران و حومه نیز شرکت کردند. عکسی که در این صفحه می‌بینید در جریان این جشن رزمی برداشته شده است.

دهقانان نیروی عظیم و زحمتکشی در کشور ما هستند، که تنها در اتحاد با طبقه کارگر و به اتفاق سایر زحمتکشان

و انقلابیون می‌توانند انقلاب را حفظ کنند و با تعمیق آن راه را برای تحقق حقوق خود بگشایند. دهقانان به ضرورت و اهمیت این اتحاد واقفند و در راه تحکیم آن می‌کوشند.

## خواست اساسی دهقانان «تل بیضا» تقسیم زمین‌های وسیع بزرگ مالک است

نماینده بخش بنزین و دبیر دبیرستان نیز هست. خواست دهقانان تل بیضا در مورد واگذاری زمین‌های مالک روستا طبق قانون مصوبه بجااست. قانون اصلاحات ارضی و به ویژه بند "ج" و "د" این قانون را باید هرچه زودتر به اجرا گذاشت.

شورای دهیک‌نیا دانقلابی مدافع منافع دهقانان زحمتکش و مظهر قدرت حکومت انقلابی در ده است و نمی‌تواند، آن طور که در این روستاست، نقش "میانجی" میان دهقانان و بزرگ مالکان را ایفا کند. سایر نهادهای انقلابی و هم چنین اهالی روستا باید به این مسئله توجه داشته باشند. نمایندگان شورا باید از میان دهقانان تهنی دست و سایر دهقانان انقلابی و زحمتکشان همین روستا انتخاب شده باشند، تا بتوانند مردمی کار کنند و به نفع دهقانان تهنی دست و در راستای انقلاب گام بردارند.

نقش "میانجی" بین مالک و دهقانان را ایفا کند. به همین جهت اهالی از شورای روستای خود اصلا راضی نیستند. نحوه کشت "نصفه کاری" است: بذر و کود و خیش به عهده مالک است و کار و زحمت به عهده دهقانان. دهقانان می‌خواهند زمین‌های مالک به آنان واگذار شود، تا دیگر زیر ظم و زورگویی مالک نباشند.

اهالی معتقدند که اگر این منطقه از زیر پوشش اردکان خارج شود، برخی مشکلات آنان نظیر تقسیم عادلانه بودجه، آبادانی و عمران حل خواهد شد. به علت نبودن راهها و جاده‌های سالم، محصولات کشاورزی و میوه‌جات، به موقع به بازارهای شهر نمی‌رسد و قیمت آن افت می‌کند. منطقه بیضا، با کمبود امکانات درمانی، دارو و پزشک روبرو است. پزشک منطقه در عین حال نماینده فرماندار، نماینده بخش سیمان،

منطقه بیضا در ۱۵۰ کیلومتری شیراز واقع شده است و مشتمل بر ۸۵ پارچه آبادی است. وضع راه‌های این منطقه خراب است و برق نیز وجود ندارد، اما قرار است به زودی به این مسائل رسیدگی شود. تل بیضا، یکی از روستاهای مهم منطقه بیضا است. از ۱۳۰ خانوار، ۵۰ خانوار را خوش‌نشینان تشکیل می‌دهند. بزرگ مالکان این روستا، که حدود ۴۰۰ هکتار زمین دارد و در روستاهای دیگر و شیراز نیز صاحب زمین و مستغلات فراوانی است، توانست است با تزویر خود را به نهادهای انقلابی و از جمله کمیته مهدیه شیراز نزدیک کند.

اهالی تل بیضا، بعد از پیروزی انقلاب، به فرمان امام خمینی عمل کردند و همه زمین‌ها را به زیر کشت بردند. شورایی مرکب از ۴ نفر تشکیل شد، اما شورایی بیشتر جانب مالکان بزرگ را می‌گیرد تا روستائیان، و گاهی می‌کوشد

## در انتظار آنکه دادگاه انقلاب اسلامی ورامین

### در خدمت مستضعفین باشد!

باقی مانده، از سوی "مالک" اولیه به سه نفر و از جمله یک روحانی نما فروخته می‌شود. روحانی نمای بزرگ مالک اخیر، در آغاز سال ۵۹، با وجود قانون منع فروش زمین‌های زراعی، ۱۸۰ هکتار از ۳۰۰ هکتار زمین خود را به شرکت کشت و صنعت تکنوسیر می‌فروشد. روستائیان از این بابت شکایت می‌کنند، لیکن به نتیجه نمی‌رسند.

پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی، ۱۵۰ نفر از کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین و جوانان بی‌کار ده شرکت تعاونی تولید تشکیل می‌دهند و دوباره شرکت مذکور علیه بزرگ مالک، که مبادرت به فروش غیر قانونی اراضی کرده بود، شکایت می‌کنند. هیئت واگذاری زمین حکمی به تاریخ ۵۹/۷/۲۲ صادر و به کشاورزان شاکي اجازه کشت اراضی بزرگ مالکان را می‌دهد. دهقانان نیز ۴ هکتار اراضی بزرگ مالک را به زیر کشت می‌برند.

به دنبال این عمل، بزرگ مالکان شکایت می‌کنند. متأسفانه در این مرحله رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ورامین و حاکم شرع دادگاه، از بزرگ مالکان پشتیبانی می‌کنند و ضمن صدور حکم تعطیل هیئت هفت نفری، سه نفر از نمایندگان کشاورزان را زندانی می‌کنند، که سه روز بعد آزاد می‌شوند. همچنین کشاورزانی که در دادگاه اجتماع کرده بودند، مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و یکی از اهالی نیز به صد ضربه سلاق محکوم می‌شود و ۵۰ ضربه شلاق به وی می‌زنند. پس از این وقایع، متأسفانه حاکم شرع دادگاه در تاریخ ۵۹/۷/۳۱ در مسجد ده، ضمن سخنرانی از منافع بزرگ مالکان جانب‌داری می‌کند. این عمل در شور انقلابی روستائیان خلل وارد می‌کند و موجب نومیدی آنان می‌شود.

آنچه که در روستای فیلسان رخ داده، نه اولین و نه آخرین نمونه از عملکرد نادرست برخی از مسئولان در نهادهای انقلابی است، که به این نهادها ضربه و لطمه جدی می‌زند. به منظور جلوگیری از این گونه اتفاقات، که به زیان انقلاب نگاهمندان و نظام جمهوری اسلامی ایران تمام می‌شود، باید در وهله نخست، قانون اصلاحات ارضی بطور کامل و فوری به اجرا درآید.

در دادگاه‌های انقلاب نیز، که یکی از نهادهای حوسیده از انقلاب ماست، باید تمام مسئولان مجری وظایفی باشند که انقلاب تعیین کرده است. مسئولان موظفند در جهت تحقق اهداف انقلاب، یعنی دفاع از منافع کوخ - نشینان در برابر کاخ نشینان، تلاش کنند، که البته اکثر دادگاه‌های انقلاب بر این امر واقف هستند و به آن عمل می‌کنند و جا دارد که در این عرصه حیاتی هیچ استثنایی وجود نداشته باشد. (فتوکی نام دهقانان، احکام دادگاه انقلاب و صورت جلسه مجتمع کشاورزی فیلسان به جراید فرستاده شده است)

دهقانان روستای فیلسان ورامین (۱۵ کیلومتری جاده تهران - ورامین) با مشکل زمین و در این ارتباط، با اعمال نفوذ افرادی در دادگاه انقلاب اسلامی ورامین، که به سود بزرگ مالکان رای داده‌اند، روبرو هستند. ابتدا با درج نامه دهقانان به ستاد مرکزی هیئت هفت نفری ورامین، و سپس با توضیح بیشتر به کم و کیف مشکلات این روستائیان زحمتکش، پی می‌بریم.

نخست نامه خود دهقانان:

"ستاد مرکزی هیئت واگذاری زمین محترماً به عرض می‌رساند همانگونه که اطلاع دارید بر اثر اختلافی که بین زارعین و فئودال‌های قریه فیلسان بود بر اساس حکمی که از طرف هیئت هفت نفره شهرستان ورامین صادر گردید عنوان شد که زارعین می‌توانند به صورت نصفه کاری زمین مزروعی را که در آن قریه و متعلق به مالکین می‌باشد کشت کنند. مردم وارد عطیات اولیه می‌شوند با آن‌ها صحبت می‌شود توافق نمی‌شود. از طرف مقامات دادگاه به آن‌ها گفته می‌شود که باید از زمین بیرون بروید. نمایندگان زارعین با ذکر دلایلی امتناع می‌ورزند و تصمیم دادگاه باعث دستگیری نمایندگان و بازداشت آن‌ها می‌شود. فردای آن روز زارعین دیگر و زن و فرزندان افراد دستگیر شده در جلوی دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان ورامین حاضر می‌شوند. مقامات دادگاه طبق معمول مردم را تهدید می‌کنند. دوباره با تنی چند از زارعین و نمایندگان آن‌ها به گفتگو می‌نشینند و در جلسه مشترک در دادگاه بین اربابان و نمایندگان مقامات دادگاه کاری از پیش نمی‌رود. در همین حین با افراد بیرون دادگاه نیز از خود خشونت به خرج می‌دهند و حتی فحش نیز در این میان شنیده می‌شود و یکی از افرادی که با زارعین بود به داخل دادگاه کشیده می‌شود و او را به عنوان این که به دادستان اعتراض کرده که چرا فحش می‌دهی به ۱۵۰ ضربه سلاق محکوم می‌کنند و این حکم نیز اجرا می‌شود و بقیه را نیز با قنطاریک و زدن به داخل ماشین می‌کشاند."

دهقانان در پایان این نامه برسیه‌اند که: آیا افراد و از جمله رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ورامین می‌توانند برخلاف قانون اساسی رفتار و قانون را جرح و تعدیل کنند؟ اینک بیستم اختلاف بین بزرگ مالکان و دهقانان زحمتکش چه بوده و علت وقوع این حوادث کدام است؟ در رژیم مغزور گذشته، از ۱۲۰۰ هکتار اراضی حاصلخیز روستا تنها ۴۲۴ هکتار، طبق نسق زراعی، بین ۱۱۲ نفر از کشاورزان تقسیم شد، به طوری که به هر کدام حداقل ۱/۵ و حداکثر ۸ هکتار زمین رسید. در سال ۱۳۵۲، ۸۵۰ هکتار زمین

## با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی، شر را از سر دهقانان «باغان» کم کنید

دارند و فقط برای دریافت عواید "ملکشان" به ده می‌آیند. از حدود ۱۵۰ خانوار جمعیت روستا نزدیک به ۳۰ خانوار روی زمین‌های اندک خودو ۳۰ خانوار هم بر روی زمین‌های اربابی کار می‌کنند و بقیه (۴۰ خانوار) از طریق کارگری در شهر زندگی مشقت‌باری را می‌گذرانند. یکی از دهقانان این روستا می‌گفت:

باغان، نام دهی است در ۸ کیلومتری شهرستان سبزوار. این روستا حدود ۱۵۰ خانوار را در خود جای داده است. روستائیان باغان از نبودن امکانات معیشتی مانند: برق، آب لوله‌کشی، شرکت تعاونی و غیره در مضیقمانند. تقریباً "همه‌آب و زمین‌های ده و اطراف آن (یک رشته قنات و ۶ حلقه چاه نیمه عمیق) متعلق به فئودال‌های است که خود در شهر سکونت

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین‌های بزرگت نمی‌شود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار می‌گیرند.

این‌جا نیز دهقانان زحمتکش و ستم دیده در انتظار اجرای کامل طرح واگذاری زمین هستند. آن‌ها امیدوارند که با قطع ید از مالکین بزرگ، خون تازه انقلاب به روستای آن‌ها نیز جاری شود. این خواست برحق میلیون‌ها دهقان ستم دیده و ضرورت مبرم انقلاب است و باید اجرا شود.

عمل دولت قضاوت می‌کنیم. البته جنگ است و مشکلات فراوان و ما هم حاضریم کشت کنیم و جهاد کنیم، ولی آن‌ها مالک که در شهر است، دلش به حال ما نسوخته و به فکر مشکلات ما نیست. ما از حکومت اسلامی و از آقا توقع داریم که دست این مالک‌ها را از این‌جا ببرند، تا ما هم با پشتگرمی بتوانیم کشور را از وابستگی نجات دهیم.

### از گزارش هیئت سیاسی

### به هفدهمین پلنوم (وسیع)

### کمیته مرکزی حزب توده ایران:

## نیروهای جبهه سازش و تسلیم

### در جبهه مبارزه برای پایان دادن به تسلط امپریالیسم

### وضع در میدان نبرد انقلابی در لحظه کنونی

هدف نوری و صبرم آنان با هدف حداقل جبهه براندازی یعنی امپریالیسم و ضدانقلاب کاملاً منطبق گردیده است و هر دو نمام تلاش خود را به کار می برند تا دولت کمونی را سرنگون کنند و دولت مانع و معطل و عاقل "حاجزین آن سازند که دارو دسته ریگان آن را حافظ مافع حیاتی آمریکا در ایران و منطقه ستکرامی کیم حافظ منافع حیاتی آمریکا در ایران و در منطقه می داند و امیدوار است که با روی کار آمدن چنین دولتی "مناسبات تنگاتنگ گذشته تجدید شود."

سازمان های سیاسی مشخص این اردوگاه عبارتند از "جبهه ملی و گروه ها و گروهک های وابسته آن، نهضت آزادی، دفتر هماهنگی مردم پارسی جمهوری، گروه های کوچک نری مانند "حما" و نظائر آن هم هستند که ضمن دعوی استقلال و دانش نظریات ویژه، در عمده ترین موضع گیری ها، از این جبهه تبعیت می کنند.

سازمان های سیاسی این "جبهه" ساری و سلیم، بگرنگ و تک دست هستند و اطفی رگارتگی سکیل میسود که یک طرف آن امثال امیرانظام و نزه و مرغادی و برخی دیگر ارسوا - سدگان وابسته امپریالیسم و در طرف دیگر آن شخصه های لیبرال مانند مهدی سازگان قرار گرفته اند. معنی کسانی که مانند او واقعا یک لیبرال آب گسده هستند یعنی "صادقانه" و "با اعتقاد" از نظام سرمایه داری دفاع می کنند و از سبند ناچ کارکرد هفان و سهور و زحمتکش و فوق این زحمت - کسان دچار تمس عصبی می شوند و سر همس با هم "صادقانه و با اعتقاد" در دام امپریالیسم ها "امپریالیسم" های هموز رسوا شده می افتند و به دست آن ها اداره می شوند.

از لحاظ طبقاتی سرمایه داری لیبرال و روشنفکران و کارمندان مرفه و ممتاز جامعه "آریامری" و از لحاظ سیاسی تقریباً همه غرب زدگان جامعه که میهن برایان حزب میهن در آمد - های گلانی باهدف حصر کردن آن در بارسی و لندن و واستکتش مبهومی ندارد، در این جبهه گرد آمده اند. هدف نهائی این نیروها با هدف نیروهای جبهه براندازی عیناً یکی نیست. این ها خواستار احیاء نظام "آریامری" در همه ابعادش هستند. آرزو و تلاش این نیروها این است که نیروهای ادیکال بیگانه امپریالیسم و خلقی را از حاکمیت دولتی بریزند. از امپریالیسم آمریکا، در چهارحوب خمین مافع حیاتی امپریالیسم یعنی نگهداری نظام سرمایه داری وابسته دیبای امپریالیستی در ایران، ادامه وابستگی نظامی ایران به آمریکا و غرب، اتحاد یک سیاست آسکار و روسن کمونیسم ستیزی در داخل، سوروی - سیزی، همکاری با دیگر کشور - های ارتجاعی منطقه، خودداری از همکاری با کشورهای شرقی و غربی، چهار خودداری ارستینیانی از جنبه های رهائی بحس ملی و سوبیره حسس خلق فلسطین، کنار آید. خلاصه آرزوی این نیروها عبارت است از حمل یک راه حل سبه تر که دوران بینا زکوتیای نظامی و پاپیونان و آسیا و زغال، یعنی نظامی که ظاهر دموکراتیک داشته باشد، ولی در عین حال با هزاران زخمیبه اردوگاه امپریالیستی وابسته باشد. این نیروها تا حد پذیرش نظام "سلطنتی مسروبه" آماده سازش و عقب نشینی هستند.

در لحظه کنونی که این نیروها به میزان زیادی از حاکمیت برکنارند،

## با السالوادور بیشتر آشنا شویم

و پس از دوران گذاری کوتاه، بفرمان امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، سرکوب مردم السالوادور را، با شدت بیشتر، از سر گرفت: تنها در سال میلادی ۱۳۰۱۹۸۵ هزار نفر قربانی جنایات رژیم شدند.

بدرینسان، خلق السالوادور با چار به پیکار مسلحانه توسل جست. در اواسط تابستان سال پیش، چهار سازمان: "حزب کمونیست السالوادور"، "اف. پ. ال"، "ارپ" و "فان" به تشکیل یک فرماندهی عالی مشترک ("درو") موفق شدند. در ۱۹ مرداد ۱۳۵۹ (۱۵ اوت ۱۹۸۵) همه نیروهای

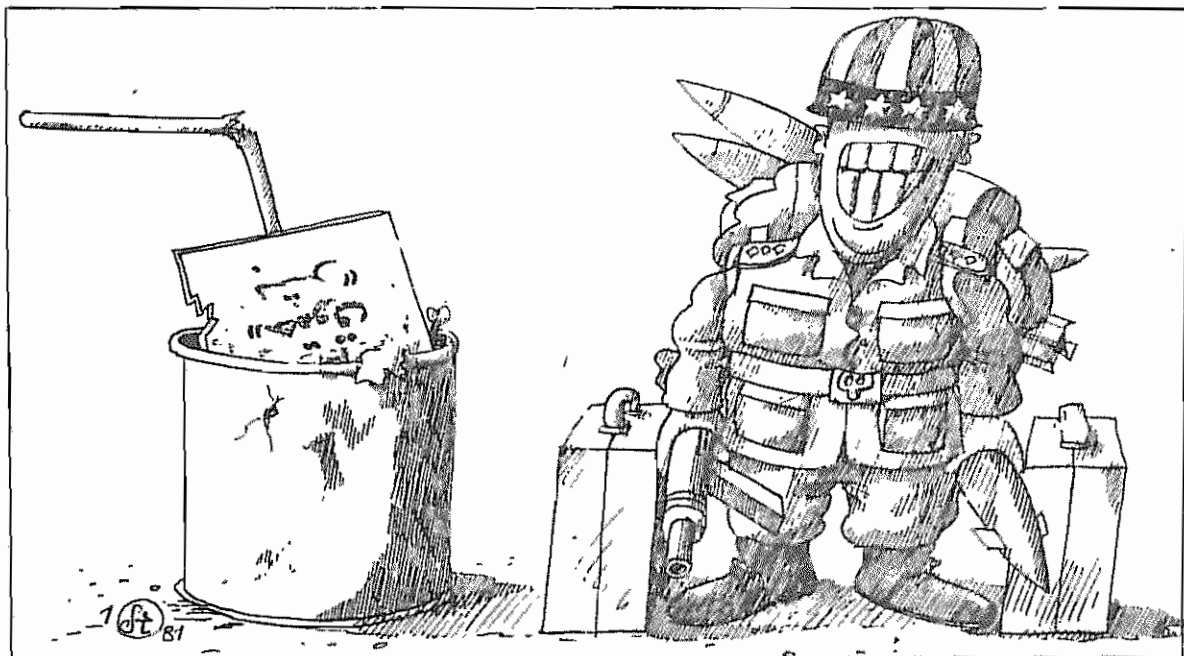
جمهوری السالوادور، با وسعت ۲۱۳۹۳ کیلومتر مربع و سکنه ۴/۵ میلیون نفری خود، از نظر جمعیت سببی، در منطقه خشکی قاره آمریکا در مقام نخست قرار دارد.

ترکیب سکنه این سرزمین حاصلخیز آسفنتانی استوایی عبارتست از: "لادینو" ها (یکی از گروه های دورگه): ۸۴/۴ درصد، سفید پوستان (اخلاص ۱۵۲۵ استعمارگرا اسپانیایی): ۱۵ درصد، "ایندیو" ها (بومیان سرخ - پوست): ۵/۶ درصد.

پس از سرکوب رستاخیز بزرگ دهقانان و کارگران روستایی، به رهبری

فامیل"، که با سرمایه خارجی وابستگی نزدیک دارد، فرمانروایی می کند. بیش از نیمی از زمین های حاصلخیز السالوادور در دست این "۱۴ فامیل" است. در صادرات السالوادور قهوه مقام نخست را حائز است (در سال ۱۹۷۹: مقام هفتم در تولید جهانی). دیگر فرآورده های صادراتی مهم السالوادور عبارتست از: پنبه و شکر. اقتصاد کشور برانرجنگ "خونتا" علیه خلق دچار بحرانی شدید شده است. اینک صادرات السالوادور به بیش از ۵۰ درصد زمان پیش از این جنگ کاهش یافته است.

در السالوادور تضادهای



### السالوادور و پایان یک کارزار ریاکارانه آمریکایی

اجتماعی به اوج خود رسیده است. نزدیک به ۵۵ درصد نیروی کار این کشور بیکارند. ۴۳ درصد مردم السالوادور بی سوادند. بخش اعظم سکنه السالوادور در فقر زندگی می کند. میانگین انتظار عمر السالوادوری ها ۵۶ سال است. حدس زده می شود که از آغاز تشدید ترور تاکنون، بیش از ۱۰۰ هزار السالوادوری کشور خود را ترک کرده اند. بیش از ۶۰ هزار نفر از میهن دوستان السالوادور بوسیله "گارد ملی" از روستاها بیرون رانده شده اند و در اردوگاه های ویژه بسر می برند.

صلح در "جبهه" فارابوندمارتی "برای آزادی ملی" ("فرنته" فارابوندمارتی "پارا لالیبراسیون ناسیونال") گرد آمدند.

از سوی دیگر مخالفان غیر نظامی نیز احزاب چپ، "سوسیال - دمکراتها" ("ام. ان. ار")، "ام. پ. ال" و "دمکرات های مسیحی چپ" همراه با سندیکاها، اتحادیه های دهقانی و محافل کاتولیک، در "جبهه دمکراتیک انقلابی" ("فرنته دمکراتیکو رولوسوناریو" - "فدر") متشکل شدند.

در السالوادور، دارودسته "۱۴"

آئوگوستین فارابوندمارتی (یکی از بنیادگذاران "حزب کمونیست السالوادور")، در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) علیه مارتینس، دیکتاتور مزدور ایالات متحده آمریکا، دوران تشدید ترور و اختناق در السالوادور آغاز شد. آخرین دیکتاتور این دوران ژنرال رومرو بود. که در ۲۳ مهر ۱۳۵۸ (۱۵ اکتبر ۱۹۷۹) سرنگون گردید. آنگاه "خونتا" نظامی (واژه "خونتا" از مصدر اسپانیولی "خونتار" = "جمع شدن" ریشه می گیرد و از جمله معنای "جمع" و "جرگه" و "هیئت" است) قدرت را بدست گرفت

### سیستم چند حزبی...

بفیه از صفحه ۳

سیستم اجتماعی و دولتی را، در وجود با عدم وجود اوزیسیون سیاسی می دانند.

اس معیار نامناسبی برای سیستم سیاسی سوسیالیسم است. حزب کمونیست یا کارگری در یک کشور سوسیالیستی، از سوی عامه مردم، عنوان رهبر نوده های زحمتکش به رسمیت ساخته شده است و از احترام

و وجه بسیاری میان عموم مردم برخوردار است. اوزیسیون نمی تواند هیچگونه حمایت اجتماعی جدی، حتی در مراحل اولیه ساختمان سوسیالیستی

را به سوی خود جلب کند. منافع عمده زحمتکشان در اسناد برنامه ای کمونیست ها، که از سوی تمامی احزاب دمکراتیک پشتیبانی می شوند، مجسم است.

تاریخ به نحوی مفع نشان داده است که در یک جامعه، که طبقات استعمارگر آن شکست خورده اند، ولی به طور کامل از صحنه محو نشده اند، یک حزب اوزیسیون، که در برگیرنده فقط یک گروه بندی کوچک از عناصر

راست گرا باشد، در صدد احیای سیستم مسوخ برمی آید و در این راستا به دشمنی با سوسیالیسم برمی خیزد. به همانگونه

که سیستم سوسیالیستی رشد می کند و به ویرانه گامی که جامعه به سوی ساختمان سوسیالیسم پیشرفته گام برمی دارد،

اوزیسیون پایگاه اجتماعی خود را از دست می دهد. تحولات انجام نده در ساختار اجتماعی، تحکیم بنیان های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک سوسیالیسم، تجمع زحمتکشان به گرد

حزب کمونیست یا کارگری و تقویت اتحاد این حزب با سایر احزاب سیاسی، عواملی هستند که باعث محدود شدن قدرت اوزیسیون می شود.

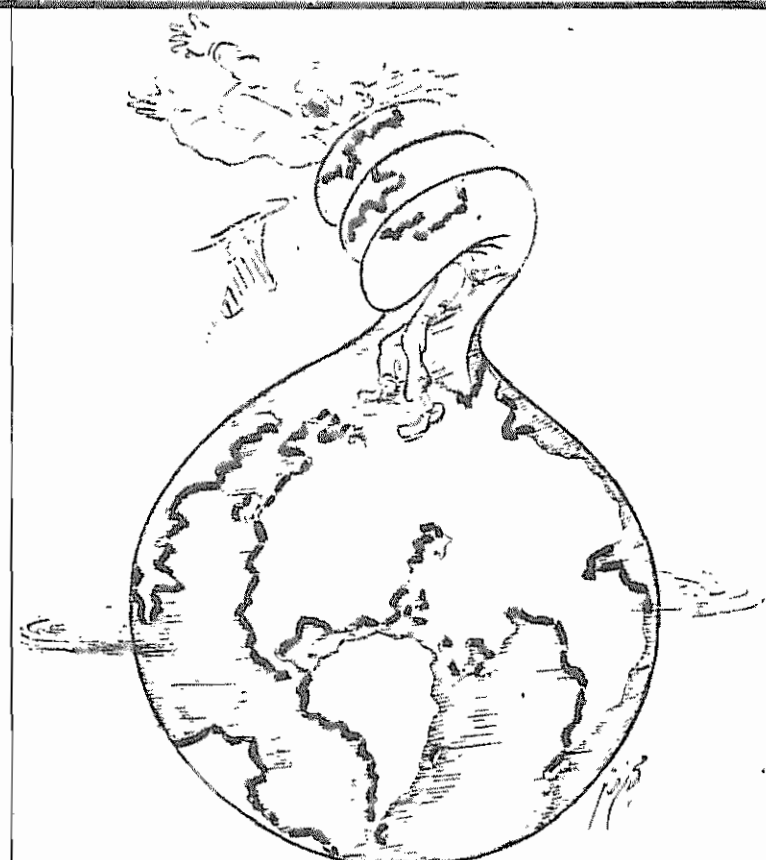
"ناراضیان"، که این چنین مورد ستایش تبلیغات بورژوازی قرار می گیرند،

نماینده هیچ کس جز خود نیستند. میان چند میلیون نفر مردم آن ها هم چون قطره ای در اقیانوس اند. آن ها از هیچ گونه پشتیبانی زحمتکشان برخوردار نیستند و هیچ گونه تأثیری بر مسئله چند حزبی بودن ساختار سیاسی نمی گذارند. انطباق اهداف اساسی و منافع طبقه کارگر و اقشار اجتماعی با یکدیگر، محو ساختارهای تضادهای آشتی ناپذیر در جامعه و تعهد همه احزاب به برنامه بنای سوسیالیسم رشد یافته، که از سوی حزب کمونیست و یا کارگری، به عنوان نیروی هدایت کننده در جامعه ارائه می شود، منای سیستم چند حزبی در کشورهای سوسیالیستی را تشکیل می دهد. این کشورها هنوز دارای بسیاری مسائل اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک و آموزشی هستند و احزاب غیر کمونیست نیز در حل این مسائل فعالانه شرکت می جویند.

ساختار سیاسی، شماره احزاب سیاسی، اسکال و شیوه های فعالیت آن ها، اتحاد این احزاب با حزب کمونیست یا کارگری در هر کشور، به شرایط ویژه و سنت های تاریخی آن کشور و طرق ویژه ساختمان سوسیالیسم بستگی دارد.

## اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن

## بازرگانی خارجی اجرا کنید!





# جمهوری دمکراتیک افغانستان خواستار عادی کردن روابط خود با جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای همجوار است

وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد عادی کردن روابط افغانستان با کشورهای همجوار و در درجه اول جمهوری اسلامی ایران و پاکستان اعلامیه ای منتشر ساخت. این اعلامیه بمناسبت سالگرد پیشنهادهای اعلام شده از جانب دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان، که در ۱۰ ماه مه سال ۱۹۸۰ (۲۰ اردیبهشت ۵۹) طی اعلامیه ای انتشار یافت، صادر شده است.

در این اعلامیه بر روی مواضع اصولی و پیگیر جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد عادی کردن روابط خود با دو کشور همجوار - جمهوری اسلامی ایران و پاکستان - از طریق مذاکرات دوجانبه تاکید شده است.

در این اعلامیه آمده است که جمهوری دمکراتیک افغانستان پس از آغاز مرحله جدید تکامل «انقلاب ثور» در زمینه سیاست خارجی یک رشته ابتکارات و پیشنهادهای اصولی و مشخص برای عادی کردن اوضاع در منطقه جنوب غربی آسیا ارائه داده است.

دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بمنظور برقراری روابط با کشورهای همجوار و برای پایان دادن به فعالیتهای خرابکارانه از خاک کشورهای خارجی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، یکسال پیش، در ۲۰ اردیبهشت سال ۱۳۵۹، برای حل و فصل سیاسی مسائل مربوط به افغانستان و برقراری روابط عادی با ایران و پاکستان اعلامیه ای صادر کرد.

در این اعلامیه از جانب دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شد که برای تنظیم موافقتنامه مربوط به عادی کردن روابط و گسترش روابط دوستانه و همکاری همهجانبه بر پایه رعایت اکتد منافع طرفین، مذاکرات مستقیمی میان جمهوری دمکراتیک افغانستان با جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد. از جانب جمهوری دمکراتیک افغانستان بدولت پاکستان نیز پیشنهاد مشابهی ارائه داده شد. دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بمنظور حل مسئله شهرزندان افغانی، که به علل گوناگون در ایران و پاکستان و دیگر کشورهای همسایه اقامت دارند، از مقامهای رسمی این کشورها دعوت کرد که به بازگشت آزادانه این شهرزندان به افغانستان مساعدت کنند.

در اعلامیه جدید وزارت امور خارجه افغانستان در مورد حل و فصل مسائل مورد اختلاف و عادی کردن روابط با جمهوری اسلامی ایران و پاکستان، تاکید شده است که دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان مفاد پیشنهادهای مطرح شده در اعلامیه ۲۰ اردیبهشت سال ۵۹ خود را باردیگر تایید میکند و بدینوسیله اصولیت و پیگیری خط مشی سیاست خارجی خود را، که مبنی بر داشتن روابط دوستانه و مسالمت آمیز با کشورهای همجوار است، نشان میدهد.

شاه محمد دوست، وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، در جریان دیدار رسمی چندی پیش خود از دهلی، از جانب دولت افغانستان رسماً اعلام کرد که جمهوری دمکراتیک افغانستان آماده است، بدون هیچ قید و شرط مقدماتی، با جمهوری اسلامی ایران و پاکستان وارد مذاکره شود. وی تاکید کرد که دولت افغانستان صمیمانه خواستار چنین مذاکراتی برای برقراری روابط عادی و دوستانه با کشورهای همسایه خویش است. وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان اظهار داشت که در صورت تمایل پاکستان و جمهوری اسلامی ایران، دولت افغانستان آماده است که چنین مذاکراتی با حضور والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد انجام شود.

بدین ترتیب دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان با انتشار اعلامیه جدید وزارت امور خارجه آن کشور، باردیگر حسن نیت و آمادگی خود را برای عادی کردن روابط با جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط دوستانه و همکاریهای گسترده نشان میدهد. اما متأسفانه تاکنون از جانب مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران هیچگونه واکنش مثبتی نسبت به

این ابتکارات مسالمت آمیز و دوستانه کشور همجوار ما، جمهوری دمکراتیک افغانستان، نشده است. برعکس، تبلیغات علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، که منابع اصلی آن مراکز خبری دول امپریالیستی و گروهکهای ضد انقلابی افغانی است، همچنان در مطبوعات و رسانه های گروهی جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد.

افشای ماهیت گروههای ضد انقلابی افغانی و روابط این گروهها با مراکز جاسوسی آمریکا و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، موید این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا همان توطئه های براندازی را که علیه جمهوری اسلامی ایران بمورد اجرا میکند، در باره جمهوری دمکراتیک افغانستان نیز دنبال میکند. رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه نیز، بدستور دولت آمریکا، نسبت به جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان، روشها و سیاستهای کاملاً مشابهی دارند.

رژیمهای سادات، عربستان سعودی، پاکستان و اردن، همانطور که به رژیم جنایتکار صدام در جنگ تحمیلی و تجاوز کارانه علیه جمهوری اسلامی ایران همه گونه کمک مالی و تسلیحاتی میکنند، گروههای ضد انقلابی افغانی را نیز علیه رژیم دمکراتیک در افغانستان تقویت می کنند و اعتبارات مالی و جنگ افزار در اختیار آنان میکذارند؛

از سوی دیگر، در توصیه های برژینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور پیشین آمریکا، از جانب کارتر به وزارت امور خارجه آمریکا، در مورد تضعیف مواضع بین المللی ایران و بوخامت کشاندن روابط جمهوری اسلامی ایران با همسایگانش تصریح شده است:

«لازم است جو سوءظن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره برداری قرار داد. رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، موصفا توسط اتحاد شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.

این توصیه صریح دولت آمریکا جای کمترین تردیدی باقی نمی گذارد که تیره بسودن روابط ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان و کوشش در جهت تشدید تیرگی این روابط، با منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کاملاً مغایرت دارد.

در شرایط جنگ تحمیلی رژیم رژیم خائن صدام علیه جمهوری اسلامی ایران و با توجه به توطئه های بی دریغ امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مسئله عادی کردن روابط برقراری روابط دوستانه و همکاریها با جمهوری دمکراتیک افغانستان، از مسائلی است که دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است نسبت به آن برخورد درست و واقع بینانه داشته باشد.

در روابط میان جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان هیچگونه اختلاف و مناقشهای وجود ندارد که نتوان آنرا از راه مذاکرات دوستانه و با حسن نیت حل و فصل کرد، بویژه آنکه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان بارها حسن نیت و آمادگی خود را برای عادی کردن روابط با جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته و صمیمانه خواستار برقراری روابط دوستانه با جمهوری اسلامی ایران است.

اعلامیه جدید وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، که بار دیگر بر مواضع اصولی آمادگی و حسن نیت دولت افغانستان جهت آغاز مذاکرات دوستانه با جمهوری اسلامی ایران بمنظور عادی کردن روابط میان دو کشور همجوار تاکید دارد، فرصت مناسبی است که از جانب مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران، با درک واقع بینانه منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ یک برخورد اصولی و عاری از پیش داوریهای ذهنی - گرایانه، باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

# آیا گزارشی که علیه حزب توده ایران به رئیس جمهور داده شده، از طرف پیروان خط برژینسکی نیست؟

روزهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد، هر وقت امپریالیسم آمریکا نقشه تازه ای را برای سرکوب انقلاب در دست دازد، دوستان و عمال آن به تبلیغ گوشخراش و خطر حزب توده و «خطر شوروی» می پردازند. این بار هم همان نقشه قدیمی تکرار و شرح مفصل آن هم برای رئیس جمهوری فرستاده شده است. تا آنجا هم که مربوط به روزنامه «انقلاب اسلامی» میشود، مطلب معلوم است. تنها باعث تأسف و تعجب است که مقام مسئولیت داری مانند آقای رئیس جمهور از گزارش پیروان خط برژینسکی در «کارنامه» خود علیه حزب توده ایران نقل قول می کنند.

همه مطالب «کارنامه رئیس جمهور» در این شماره، که در آن ۵ گزارش دیگر هم (از جمله گزارش های مربوط به نزدیکی رژیم صدام و آمریکا، سیاستهای اقتصادی اروپا و ژاپن و امریک - سفر خانم تاجر به عربستان سعودی و...) آمده، یا قتر درشت فقط همان بخش از گزارش پیروان خط، برژینسکی را، که اقتر با حزب توده ایران است، در بالای ستون برجسته کرده است.

تا آنجا که این گزارش مربوط به پیروان خط برژینسکی - که اتفاقاً سند آنرا هم خود آقای رئیس جمهور فاش کردند - میشود، مسئله تازه ای نیست. درست مانند

چنانکه از «کارنامه رئیس جمهور» (منتشره در شماره شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۰ روزنامه «انقلاب اسلامی») برمی آید، پیروان خط برژینسکی گزارشی را در «۸۵ صفحه قطع بزرگ درباره عملکرد و سیاست روسیه در ایران» به آقای بنی صدر داده اند. ایشان هم از این گزارش ۸۵ صفحه ای، تنها این جمله را نقل کرده اند: «بیکمان نویسنده، این سیاست بر سه پایه دیپلماسی آشکار، دیپلماسی پنهان و استفاده از عوامل خود در ایران، یعنی حزب توده قرار دارد، تا ایران را وابسته بخود بگرداند.»

روزنامه «انقلاب اسلامی» هم که تکلیفش معلوم است. از میان

## گام اول برای حل مشکل پاکستان

اردیبهشت ۱۳۶۰  
سخنان دادستان کل کشور مایه خرسندی است و می تواند اولین گام در راه حل یکی از مهمترین مشکلاتی شود که انحصار طلبان و قشریون بوجود آورده اند، و با کمک لیبرالها و ضدانقلابیون، در عمل سبب شده اند که افراد وفادار به انقلاب از ادارات تصفیه شوند و یا اصولاً بخاطر اینکه خط فکری معینی دارند، استخدام نشوند.

می خواهند افرادی را استخدام یا تصفیه نمایند، اگر بدانند مربوط به فلان قشر یا خط فکری است، او را مورد سؤال قرار میدهند، البته خط فکری که مخالف قانون اساسی نباشد، من چنین کاری را محکوم می کنم و بشدت با آن مخالف هستم» (کیهان - ۲۶)

دادستان کل کشور، طی سخنانی، عدم استخدام یا تصفیه افراد را به علت خط فکری آنها شدیداً محکوم کرد. آیت الله موسوی اردبیلی، کسبه در یک مصاحبه مطبوعاتی در قم شرکت کرده بود، گفت:

«اینکه گفته می شود وقتی

## رفت و آمد غیر قانونی عوامل ضد انقلاب از راههای مرزی سیستان و بلوچستان قاچاق هتگت ارز و مواد مخدر نیز از همین راهها جریان دارد.

عوامل ضد انقلاب، قاچاقچیان ارز، اسلحه و مواد مخدر، بسا استفاده از بعضی از راههای استان سیستان و بلوچستان، به سهولت به فعالیت های غیر قانونی خود ادامه می دهند.

این عوامل که شامل جنایتکاران رژیم گذشته، عوامل ساواک، سرمایه داران بزرگ، قاچاقچیان بزرگ و حرفه ای مواد مخدر و اسلحه و ارز و نیز بعضی از قاچاقچیان خرده پا می شوند، اکنون که مسیر زاهدان - میرجاوه از طریق قفقاز، از سوی مامورین نسبت به سایر نقاط بیشتر تحت کنترل قرار گرفته است، به راه مرزی سرپاز - پیشین و دیگر راهها روی آورده اند. سرهنگ بنی عامری، فرمانده داخلی کودتای نوزده، نیز از همین راه فرار کرده بود، از سوی دیگر آن دسته از عوامل ضد انقلاب، که از راه های بندر چاه بهار و بندر لنگه و بندر عباس بوسیله لنج فرار می کردند، نیز با کنترلی که پاسداران انقلاب بر این راهها اعمال می کنند، به سوی راه سرپاز - پیشین روی آورده اند.

همچنین قاچاقچیان مواد مخدر، بار خود را، که با شتر و از طریق کویر حمل می کنند و به شهرهای کنار کویر می رسانند، بوسیله خودروهای سواری و باری، بین شهرها تقسیم می کنند. این قاچاقچیان بطور عمده برای حمل کالاهای خود از راههای زاهدان، میرجاوه - قفقاز استفاده می کنند به این ترتیب که آنان از زاهدان تا میرجاوه راه، که حدود ۷۰ کیلومتر است، طی می کنند و خود را به میرجاوه می رسانند و بوسیله راهنمایانی که از قبل به آنها معرفی شده اند، به آن طرف مرز هدایت می شوند و خود را به خاک پاکستان می رسانند. این افراد پس از طی ۲۴ ساعت راه، به گویته اولین شهر مرزی پاکستان می رسند و با پرداخت حداکثر ۴۰۰ تومان، شناسنامه پاکستانی دریافت می کنند و با این شناسنامه، بعنوان یک پاکستانی، پس از ۱۵ روز تا ۲۰ روز، گذرنامه پاکستانی دریافت می دارند. در این شهر کسانیکه گذرنامه داشته، ولی اجازه خروج نداشته اند، بسا پرداخت ۸۰۰ روپیه پاکستانی، ویزای خروج برای هر کشوری که بخواهند تهیه می کنند. همچنین تبدیل پول ایرانی به پول پاکستانی و سپس به دلار یا مارک آلمان غربی به وسعت و سهولت فراوان در این شهر مرزی انجام می گیرد.

به این طریق مشاهده می شود که عوامل ضد انقلاب و قاچاقچیان بزرگ مواد مخدر، ارز و اسلحه، چگونه می توانند نه تنها از مجازات بگریزند و اردوی ضد انقلاب در خارج از کشور را نیرومند کنند، بلکه همچنین مقادیر زیادی ارز مورد نیاز مملکت را به خارج انتقال می دهند و بجای آن مواد مخدر و اسلحه برای توطئه های بعدی عوامل خود به کشور ما وارد می کنند.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران و بخصوص مرز - داران استان سیستان و بلوچستان می خواهیم که بیش از پیش در کنترل مرزها و دستگیری و مجازات عوامل فراری ضد انقلاب، هشیاری و قاطعیت نشان دهند.

متأسفانه باید گفت که برخلاف سخنان آقای اردبیلی مبنی بر این که «به مورد خاصی که قابل بررسی باشد، نرسیده ام و برخورد نکرده ام»، تصفیه افراد انقلابی از ادارات و یا عدم استخدام آنها بخاطر خط فکری (که مخالف قانون اساسی هم نیست) بسیار زیاد است. ما به نوبه خود بارها و بارها در این باره سخن گفته و نمونه های زیادی را نشان داده ایم. در آینده هم حاضر هستیم نمونه های متعددی را در این زمینه مطرح سازیم. به نظر ما، همانطور که دادستان کل کشور گفته است: «باید این کارها برچیده شود و ضابطه ای صحیح بوجود بیاید» (همانجا)

ما باز هم درباره چگونگی این ضابطه، سخن خواهیم گفت.

## لایحه قصاص...

بقیه از صفحه ۱  
ایران دلسوز و علاقمندند، این واقعیت را بدرستی درک کنند که طرح «لایحه قصاص»، در عمل جز بسود تبلیغات سوء و مغرضانه ضد انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران تمام نمیشود و تاکید نیروهای علاقمند به سرنوشت انقلاب، چون حزب توده ایران، بر ضرورت مینیوت کردن این لایحه، جز بر مبنای مصلحت انقلاب نبوده و نیست.

ایجاد جو شانتاز و رعب و برچسب زنی، نمیتواند لایحه ای را، که با روح زمان تطبیق نمی کند و تکرانی و مخالفت بحق مردم را برانگیخته است، قابل دفاع سازد.

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!**



«اتحادیه همبستگی»  
لرستان خواهان استقرار  
اقتصاد سرمایه‌داری  
است

«پراودا» در شماره ۲۵ اردیبهشت ۶۰ خود، در مقاله‌ای پیرامون «تزهایی درباره رهنمودهای اتحادیه همبستگی»، که چند روز پیش در لرستان انتشار یافت، نوشت:  
«اتحادیه همبستگی میخواهد که حزب، پارلمان، قوه قضائیه و نهادهای اداری رهبری آنرا بپذیرند.»  
بنویسته «پراودا»:  
«همبستگی» خواستار آنست، که اقتصاد لرستان بر پایه قوانین سرمایه‌داری رهبری گردد.  
«پراودا» می‌افزاید:  
«رهنمود واقعی مولفان این سند آنست که ضربه‌ای سهمگین بر دستاوردهای سوسیالیسم، حقوق زحمتکشان، حزب متحد کارگری لرستان و پایه‌های سیاست دولت خلق وارد آید. این تزهانمایانگر نظرات آن دسته عناصر درون «همبستگی» و پشت سر آنست، که میخواهند از بحران کنونی بعنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف استقرار سیستم سرمایه‌داری استفاده جویند.»

### حزب کشتی‌های جنگی آمریکا بسوی سواحل لبنان

ناروهاییما بر ایالات متحده آمریکا، بنام «ایندی بندس» (استقلال)، در حالیکه از سوی دو کشتی جنگی اسکورت می‌شود، پس از گذشتن از کانال سوئز، و ورود به مدیترانه، به سواحل لبنان نزدیک میگردد. هدف از کسب کشتی‌های جنگی آمریکا به سواحل لبنان، دامن زدن به تشنج‌های لبنان و ارباب مقامات سوری و نیروهای ملی-مترقی لبنانی و رزمندگان فلسطینی است.

### سردسته گروهک ضدانقلابی، به ارباب و چپاول مردم افغانستان اعتراف کرد

شب ۲۵ اردیبهشت ۶۰، «تلویزیون مسکو» فیلمی از فعالیت یکی از باندهای ضدانقلابی، که چند روز پیش اعضای آن در افغانستان دستگیر شدند، نشان داد.  
این باند ضدانقلابی نیز، مانند دیگر دارو دسته اشرار، در پاکستان، در اردوگاه‌های ویژه، زیر نظر کارشناسان آمریکایی و چینی، آموزش دیده و به افغانستان فرستاده شده بود.  
در این فیلم، همچنین سلاح‌های آمریکایی، بریتانیایی و چینی دیده می‌شد، که اشرار نامبرده در اختیار داشتند.  
بگفته سرکرده باند، این گروهک خرابکار، که ۲۳ نفر را دربر میگرفت، به ارباب و چپاول مردم می‌پرداخت.

### روندی در لرستان هست که دستاوردهای سوسیالیسم را بخطر افکنده است

روز ۲۶ اردیبهشت ۶۰، کنفرانسی از رهبران و مسئولان حزبی در ورشو برگزار شد.  
استانیسلاو کازبا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لرستان، که در این کنفرانس شرکت کرد، گفت:  
«در کشور روندی دیده میشود، که سرشت آن دستاوردهای سوسیالیستی را بخطر افکنده است.»  
بگفته کازبا:  
«باید هرچه زودتر دشواری‌های مردم را از راه‌های سیاسی حل کرد. این امر تنها هنگامی ممکن است، که حزب فعالیت شایسته خود را بر پایه مارکسیسم - لنینیسم براه اندازد.»

### ضارب پاپ با سازمان‌های نفوذاشیستی کشورهای غربی رابطه دارد

لوچیانو اتلیسی، معاون دادستان کل ایتالیا، گفته است که ضارب پاپ با احتمال قریب به یقین «جنایتکاری حرفه‌ای» است و با سازمان‌های تروریستی ارتباط دارد.  
«کوریلا دلا سرا» گزارش میدهد که نامبرده از پشتیبانی مالی هنگفت بهره‌مند بوده است. بنویشته این روزنامه، وی امسال سفرهایی به آلمان غربی، فرانسه و اسپانیا کرده بوده است.  
روزنامه «آواتی» می‌نویسد که، ضارب پاپ با نفوذاشیستهای جمهوری فدرال آلمان رابطه دارد.

### دولت آمریکا در امور داخلی فرانسه دخالت میکند

گزارش‌های رسیده از ایالات متحده آمریکا حاکی است که «واشینگتن»، پس از انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، آشکارا به مداخله در امور داخلی فرانسه می‌پردازد.  
وزارت خارجه آمریکا اظهار داشته است که «بدقت تشکیل و ترکیب کابینه جدید فرانسه را دنبال خواهد کرد.»  
از سوی دیگر، یک سخنگوی «کاخ سفید» به نمایندگان مطبوعات گفت:  
«چشم‌انداز شرکت کمونیستها در کابینه جدید فرانسه دولت ریگان را بر آن داشته است که به مطالعه دقیق اوضاع بپردازد.»

### سبیل کالاهای آمریکایی به عراق سرازیر شده است

بگزارش خبرگزاری لیبی، کالاهای آمریکایی به حدی به بازارهای عراقی سرازیر شده که در ده سال گذشته بیسابقه بوده است.  
این خبرگزاری، بنقل از برخی بگزارش خبرگزاری لیبی، کالاهای آمریکایی به حدی به بازارهای عراقی سرازیر شده که در ده سال گذشته بیسابقه بوده است.  
این خبرگزاری، بنقل از برخی

### دفاعیه «جاما» از خود و چند نکته درباره آن

نقش‌ها قصد انتقام‌گیری از مصدق را داشت، ولی با آگاهی مردم و حضورشان در صحنه، توطئه نقش بر آب گردیده. و «مطمئناً شعارهایی که حاکی از مقایسه وضع ایران و شیلی می‌باشد، از حلقوم این دارو دسته وابسته خارج شده است». حزب توده ایران از این سازمان خواست تا پاسخ ما را به این افتراها چاپ کند. و متأسفانه «جاما» از چاپ جواب ما خودداری کرد.

۴- با اینهمه، حزب توده ایران، ضمن اینکه قضاوت درباره این روش «جاما» و خود را به مردم می‌سپارد، و علیرغم اینکه نکات یادشده، به آن، از نظر «قانونی» و «اخلاقی» اجازه می‌دهد که از چاپ نامه «جاما» خودداری کند، با اینهمه به درج بخشی از آنچه که مربوط به دفاع از خود «جاما» است، مبادرت می‌ورزد.

«جاما» از خود دفاع می‌کند  
جملات زیر در نامه «جاما» دفاع از این سازمان اختصاص یافته بود، که عیناً نقل می‌شود:  
«... اکثر قریب به اتفاق اعضای وابسته و عضو جاما را زحمتکشان و اندیشمندان فکری و یدی تشکیل می‌دهند که سابقه مبارزاتشان از دوران نهضت ملی و حکومت مرحوم دکتر مصدق آغاز می‌گردد و از آن زمان جزو نیروهای استوار و پایدار می‌بودند که عمیقاً به توحید و فرهنگ غنی و تاریخ ساز اسلام اعتقاد داشتند... و زندگی خود را وقف خدمت به اقتدار محروم و زحمتکش این کشور کردند و در مبارزه با سیطره طاغوت و امپریالیسم آمریکا از هیچ خطری راهمه و پرهنز ننمودند. اعضای جاما به جامعه توحیدی و قسط‌اسلامی اعتقاد داشته و دارند...»

اعضاء جاما در راستای دراز مبارزه خود نه جزء «کارمندان مرفه و ممتاز جامعه آریامبری» بوده‌اند و نه از غریزدگانی که مین برایشان میدان درآمدهای کلان است...»

هواداران جاما جزو نخستین پایه‌گذاران جنبش قهرآمیز مردم ایران بر علیه نظام سفاک شاه و نابود ساختن سلطه امپریالیسم آمریکا بودند... این است که برای ادامه و حضور آزادی‌یابی بدست آمده از انقلاب برای حمایت از آزادی و رهایی بازوی پرتوان کارگران و رنجبران از قید استثمار و نیروی دهقانان از بند بهره‌کشی پای می‌فشاریم و حاضر به ایثار هستیم و هیچگاه بر سر اصول آزادی و استقلال میهنمان سازش نخواهیم کرد. لذا چگونه می‌تواند مواضع ما شبیه حامیان سرمایه‌داری وابسته و هواداران سازش و تسلیم با آمریکا باشد. ما نه تنها از اسم کارگر و رنجبر راهمه نداریم، بلکه خود را مدافع واقعی آنها می‌دانیم.»

دقت سیاسی جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران - «جاما»، طی نامه‌ای به تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۶۰، در پاسخ به آنچه در گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره «جاما» گفته شده، خواستار انتشار توضیحات مندرج در نامه، «طبق قانون مطبوعات»، در «نامه مردم» شده است.

درباره این نامه «جاما» نکات زیرشایان ذکر است:  
۱- آنچه در گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی درباره «جاما» ذکر شده، تنها سه خط و به این شرح بوده است:

«گروه‌های کوچکتری مانند «جاما» و نفاثر آن هم هستند که، ضمن دعوی استقلال و داشتن نظریات ویژه در عمده‌ترین موضع‌گیری‌ها، از این جنبه (جنبه سازش و تسلیم) تبعیت می‌کنند.»

باین ترتیب روشن است که:  
اولاً اگر این جمله بدقت و در ارتباط با بقیه متن خوانده شود، آشکار میگردد که گزارش هیئت سیاسی بین مواضع «جاما» و بقیه گروه‌های «جنبه سازش و تسلیم»، فاصله معینی راه، که ناشی از مواضع سیاسی «جاما» است، حفظ کرده است.

ثانیاً مطابق قانون مطبوعات، پاسخ به یک مطلب برای درج در روزنامه‌ای که آن را ذکر کرده، باید به اندازه خود آن مطلب باشد، در حالیکه «جاما» در جواب سه خط یادشده، نامه‌ای در ۵ صفحه و ۴ سطر ماشین شده ارسال داشته است.  
۲- طبق قانون مطبوعات، پاسخی که حاوی افترا و دشنام باشد، قابل چاپ نیست. متأسفانه «جاما» در لابلای کلمات نامه خود، دشنامها و افتراهای متعددی را به حزب توده ایران گنجانده است.

۳- «جاما» که خواستار چاپ یک نامه ۵ صفحه‌ای در پاسخ به مطلب سه سطر «نامه مردم» است، آنچنانکه تجربه نشان داده، خود را ملزم به رعایت این امر در مورد حزب توده ایران نمی‌داند.

«جاما» بدفعات در ارگان خود و حتی در مقدمه کتابی که توسط آن منتشر شده است - «دکودا در کودتا» - به حزب توده ایران دشنام گفته، افترا زده و به ما نسبت «خیانت» داده است. ما هرگز این دشنامها و افتراها را شایسته پاسخ دادن ندانسته‌ایم. تنها یکبار، وقتی که «جاما» در اطلاعیه رسمی خود درباره وقایع ۱۴ اسفند ۵۹ دانشگاه تهران نوشت: «یک بار دیگر اتحاد مشهور «توده»

### محدودیت‌های غیرقانونی در راه فعالیت آزادانه هواداران حزب توده ایران در منطقه «پل سیمان» تهران

از فعالیت آزادانه هواداران حزب توده ایران در منطقه سربل سیمان تهران به شکلهای مختلف جلوگیری می‌شود. تاکنون در چندین مورد رفتاری ما مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و از کار تبلیغاتی آنان ممانعت شده است. متأسفانه در چند مورد افرادی از کمیته منطقه نیز در ممانعت از فعالیت رفتاری ما نقش داشته‌اند. در این ارتباط باید به چند مورد بازداشت‌های غیرقانونی و بی‌دلیل رفتاری ما، توسط بعضی از افراد این کمیته، اشاره کرد. از جمله یکی از هواداران حزب توده ایران در روز ۹ اردیبهشت ۶۰ به «جرم»! چسباندن پوستری به مناسبت روز کارگر بازداشت شد.

از سوی دیگر باید به تبلیغات وسیع و آزادانه عوامل گروهک مائوئیستی - آمریکائی «رنجبران» اشاره کرد. این عوامل در سطح وسیعی در منطقه به نوشتن شعارهایی علیه حزب توده ایران و دوستان انقلاب ایران در سطح جهان پرداخته‌اند.

باید پرسید: چگونه هنگامیکه به انحاء مختلف از فعالیت‌های سازنده و انقلابی اعضای و هواداران حزب توده ایران در این محل جلوگیری می‌شود، افراد این گروهک «سیا» ساخته، چنین در انجام اقدامات ضدانقلابی خود آزادند؟

ما ضمن اعتراض شدید به محدودیت‌های غیرقانونی که در راه فعالیت اعضای و هواداران حزب توده ایران در این منطقه بعمل می‌آید، از مسئولین کمیته محل و تمامی ارگانهای انقلابی این منطقه می‌خواهیم که تمامی کوشش خود را صرف اجرای مفاد اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب، اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد آزادی‌یابی دموکراتیک و نیز رهنمودهای امام خمینی در این مورد کنند.

ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که ممانعت از فعالیت‌های سازنده و انقلابی حزب توده ایران به هیچ روی در جهت مصالح انقلاب نیست.

### تصحیح

در شماره ۵۱۲ «نامه مردم» در تفسیر هفتگی «نظری» به حوادث بین‌المللی در هفته‌ای که گذشت، در جمله آخر، ستون دوم، پیش از کلمه «توانستند»، کلمه «تاکنون» از قلم افتاده است، که بدینوسیله تصحیح می‌شود.

### کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

خسرو و اکرم یک نیم سکه طلا شادی ۷۰۰۰ ریال  
هواداران حزب در حسن آباد یا سوگند بیچار ۴۰۰۰ ریال  
هواداران حزب درسناه ۲۰۰۰ ریال  
جمع آوری شده در جشن عروسی ن. و ف. ۱۱۵۰۰ ریال باضافه ۴ نیم سکه طلا و ۶ ربع سکه طلا بهرنگ کوچولو ۲۸۶۴ ریال

نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
دقت: «نامه مردم»  
هنوز در اختیار  
«نامه مردم» نیست  
چاپ: کاویان  
NAMEH  
MARDOM  
No. 514  
17 May 1981  
Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.  
خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۳۵۵۱/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

## باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم